

در حمایت از مردم خویش:
توجه جدی افغانها در قبال قربانیان ملکی

CENTER FOR
CIVILIANS IN CONFLICT
RECOGNIZE. PREVENT. PROTECT. AMEND.

افراد ملکی در جنگ

تشخیص، جلوگیری، محافظت، تعدیل

فهرست مطالب

اصطلاحات

خلص رویکرد اجرایی

پیشگفتار

1. شرحی از قربانیان ملکی: تا اکنون چه اقداماتی صورت گرفته است

نیروهای بین المللی

طالبان و گروه‌های مسلح

پروسه انتقال به نیروهای امنیتی افغان

2. ایجاد یک قضیه برای توجه جدیتر افغانها در قبال قربانیان ملکی

دلایل اخلاقی

دلایل استراتژیک

دلایل مبنی بر قوانین ملی و فرهنگی

3. پروسه افغانی جهت تحقیق در رابطه به قربانیان ملکی

اردوی ملی افغانستان

پولیس ملی افغانستان

ریاست امنیت ملی افغانستان

هیئت ریاست جمهوری

تحقیقات عملی

ایجاد تمایل سیاسی برای رسیدگی به این امر مهم

4. میکانیزم های رسیدگی به قربانیان ملکی از طرف دولت افغانستان
میکانیزم های مساعدت دولت
کود احتیاط ۹۹ رئیس جمهور
صندوق وزارت کار و امور اجتماعی برای شهدا و معلولین

موانع سد راه پروگرام
قربانی شدن مردم ملکی از طرف نیروهای امنیتی افغان
موانع ناشی از بیروکراسی
همآهنگی ضعیف
تأخیر در پرداخت ها
مساعدت های ناکافی
موانع در دسترسی
فساد اداری و اخاذی
تساوی در دسترسی همگانی
تخریب ملکیت ها و مجروحیت های نه چندان شدید

5. پیشنهادات

ضمیمه ۱: دیدگاه های مردم ملکی
ضمیمه ۲: فورم های درخواستی برای فرمان ۹۹ و پرداخت های وزارت کار و امور اجتماعی

اصطلاحات و اختصارات

Afghan Independent Human Rights Commission (AIHRC)

Afghanis (AFN)

Afghan Local Police (ALP)

Afghan National Army (ANA)

Afghan National Police (ANP)

کمیته مستقل حقوق بشر افغانستان

افغانی

پولیس محلی افغانستان

اردوی ملی افغانستان

پولیس ملی افغانستان

Afghan National Security Forces	(نیروهای امنیتی افغان)
African Union Mission in Somalia (AMISOM)	مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالیا
Attorney General (AG)	لوی ارنوالی
Civilian Casualties (CIVCAS)	تلفات ملکی
Civilian Casualty Mitigation Team (CCMT)	تیم کاهش تلفات ملکی
Civilian Casualties Tracking Cell (CCTC)	واحد پیگیری تلفات ملکی
Criminal Investigations Team (CID)	تیم تحقیقات جنایی
General Staff Legal Department (GS Legal)	مدیریت حقوقی لوی درستیز
Improvised Explosive Device (IED)	ماین های کنار جاده بی
Independent Directorate of Local Governance (IDLG)	اداره مستقل ارگان های محلی
International Committee of the Red Cross (ICRC)	کمیته جهانی صلیب سرخ
International Humanitarian Law (IHL)	حقوق بین المللی بشر دوستانه
International Human Rights Law (IHRL)	قانون حقوق بشر بین المللی
International Security Assistance Force (ISAF)	قوای حافظ صلح بین المللی یا آیساف
Members of Parliament (MPs)	اعضای پارلمان
Ministry of Defense (MoD)	وزارت دفاع
Ministry of Interior (MoI)	وزارت داخله
Ministry of Finance (MoF)	وزارت مالیه
Ministry of Labor, Social Affairs, Martyrs, and Disabled (MoLSAMD)	وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین
North Atlantic Treaty Organization (NATO)	سازمان پیمان اتلنتیک شمالی یا ناتو
NATO Training Mission in Afghanistan (NTM-A)	مأموریت آموزشی ناتو در افغانستان
National Directorate of Security (NDS)	ریاست امنیت ملی
Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR)	دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر
Open Society Foundations (OSF)	بنیاد جامعه‌باز
President's Information Coordination Center (PICC)	مرکز هماهنگی اطلاعات رییس جمهور
President's Office of Administrative Affairs (OAA)	دفتر اداره امور رییس جمهور
Pro-Government Forces (PGF)	نیروهای همسوی دولت
United Nations (UN)	ملل متحد

United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA)
United States (US)
United States Dollars (USD)

هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)
ایالات متحده امریکا
دالر ایالات متحده امریکا

خلص رویکرد اجرایی

با انتقال مسؤلیت های تأمین امنیت افغانستان از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان، تلفات ملکی هنوز هم در سطح بلند خود قرار دارد. در طی سالهای اخیر نیروهای بین المللی گامهای مثبتی را در راستای کاهش رنج های قربانیان ملکی ای که در جریان عملیات نظامی این نیروها متضرر گردیده اند، برداشته اند که شامل اعطای کمک های مجانی و پرداخت هایی به عنوان همدردی با این قربانیان، میگردد. از طرفی دولت افغانستان نیز پروگرام هایی را رویدست گرفته است که در طی آن به آن عده از مردم ملکی که در جریان جنگ متحمل خساره گردیده اند، جبران خساره صورت میگیرد. با وجودیکه مساعدت های دولت افغانستان درین راستا با چالش های متعددی مواجه است، اما باز هم این تلاش ها از طرف دولت افغانستان قابل ستایش است. طوریکه ظرفیت های دولت افغانستان و نیروهای امنیتی افغان مبنی بر جلوگیری از تلفات و خسارات ملکی و جبران خسارات متأسفانه که خیلی ناچیز است. و چون نیروهای امنیتی افغان در حال آماده شدن برای گرفتن مسؤلیت های امنیتی از نیروهای بین المللی میباشند، بناً باید اقدام جدی اتخاذ گردد تا نیروهای افغان را قادر به عکس العمل مناسب و مطابق وقت در قبال تلفات و خسارات ملکی، سازد.

گزارش هذا حاوی تحلیلی همه جانبه در رابطه به سیاست و رویکرد هایبست که از طرف افغانها جهت رسیدگی و جبران خسارات افراد ملکی در جریان جنگ میباشد، که از طریق تمرکز بالای میکانیزم های تحقیق و بررسی حوادث و واقعات بصورت دقیق و متعاقباً ارائه کمک های بلاعوض مالی به این قربانیان تحقق میابد. ازین رو این گزارش تمام سیاست ها و پروگرام هایی را به بررسی میگیرد که برای اشخاص مسؤلیکه سالانه به هزاران قربانی ملکی جنگ خدمات لازم را ارائه مینمایند، ممد واقع میگردد. ما طی این گزارش کوشیده ایم خاطر نشان سازیم که در رویکرد رسیده گی به قربانیان ملکی جنگ به خصوص آنانیکه قربانی عملیات نظامی نیروهای امنیتی افغان گردیده اند، چه تغییرات و تعدیلاتی باید وارد گردد. تلاش گردیده است تا خلاهای رویکردهای دولت افغانستان درین راستا دریافت گردیده و اصلاحات مرتبط به آن پیشکش گردد.

قوه محرک این گزارش همانا پروسه انتقال قدرت از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی افغان میباشد. چنانچه نیروهای امنیتی افغان قبلاً پروسه تسلیم گیری مسؤلیت های امنیتی را از نیروهای بین المللی به عهده گرفته اند، و توقع می رود که تا قبل از ختم سال ۲۰۱۳ مسؤلیت تأمین امنیت تمام کشورشان را به عهده گیرند. در حالیکه نیروهای بین المللی هنوز هم باعث قربانی شدن افراد ملکی در کشور میگردند، اما گزارش ها حاکیست که این نیروها به سیاست رسیدگی به قربانیان ملکی ناشی از عملیات شان همواره ادامه میدهند. اما از آن طرف توجه لازم بالای قربانیان ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان صورت نگرفته است، طوریکه باید تحقیقات لازم و گسترده ایی درین زمینه براه انداخته شود، زیرا ازین به بعد بیشترین عملیات نظامی را نیروهای امنیتی افغان انجام خواهند داد.

افغان های معمولی و ملکی از آغاز منازعات در افغانستان که در اکتوبر سال ۲۰۰۱ آغاز و تا به حال ادامه دارد، به شدت متأثر گردیده اند. و گفتنیست که سال ۲۰۱۱ خونین ترین سال از لحاظ تعداد تلفات ملکی به حساب میآید. طالبان و سایر گروه های شبهه نظامی که جهت جلوگیری از تلفات ملکی اقدامات ناکافی نموده اند، مسؤل بخش عمده ایی ازین تلفات ملکی به شمار میروند. گرچه نیروهای بین المللی هنوز هم مسؤل تعدادی ازین تلفات به شمار میروند، اما از اثر تلاش های این نیرو ها درین راستا، در سال های اخیر تعداد تلفات ناشی از عملیات آنان به صورت چشمگیری کاهش یافته است. هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) در گزارشش مینگارد که تا بحال رقم تلفات ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی ملکی نسبت به تمام گروه های درگیر در جنگ کمتر بوده است، اما رقم این تلفات همیشه در حال تغییر است. اما این را نباید فراموش کرد که با افزایش نقش نیروهای امنیتی افغان در تأمین امنیت کشور، چون عملیات این نیروها افزایش مییابد، ازین رو شمار تلفات غیر ملکی ناشی ازین عملیات نیز متناسباً افزایش خواهد یافت، مگر اینکه اقدامات جدی جهت محافظت از افراد ملکی در داخل تشکیلات نیروهای امنیتی افغان اتخاذ شده و در صدر اولویت های کاری قرار داده شود.

دلایل جدی اخلاقی، استراتژیک و فرهنگی ایی وجود دارد که باید دولت افغانستان عکس العمل هایش را در قبال تلفات و خساراتی را که افراد ملکی از اثر عملیات نیروهای امنیتی افغان متحمل میشوند، وسعت و تقویت بخشد. البته اصل اساسی بشردوستی دلیل کافی درین عرصه میباشد. اگرچه تلفات و خسارات به افراد ملکی غیر عمده هم باشد، باز هم جوانب درگیر در جنگ باید مسؤلیت اعمال خود را به دوش گیرند. طوریکه این مسؤلیت پذیری میتواند شامل؛ ابراز تأسف، همدردی، توضیحات لازمه و مساعدت های مالی و سایر کمک ها برای جبران خسارات برای افراد ملکی و غیره باشد. علاوه از دلایل اخلاقی، اگر یکی از جوانب درگیر در جنگ نتواند که در مقابل رنجش افراد ملکی از اثر جنگ به آنان کمک ها و غمخواری های لازمه را ارایه نماید، اینجاست که احساسات این افراد و سایرین علیه دولت و مشروعیت آن تبارز کرده و تأثیر منفی ایی از خود بجا خواهد گذاشت. که در نتیجه اثرات منفی استراتژیک آن محسوس خواهد بود. تجارب نشان داده است که کمک های مالی نیروهای بین المللی و افغان در کاهش احساسات علیه نیروهای بین المللی و دولت افغانستان به طور چشمگیری کاهش یافته است، به خصوص زمانیکه این کمک های با معذرت خواهی و ارایه توضیحات به قربانیان و اقارب آنان توأم باشد. از جانب دیگر پرداخت های مالی در مقابل کشته و یا زخمی شدن مردم ملکی با فرهنگ و عنعنات مردم افغانستان نیز کاملاً سازگار است.

دولت افغانستان در راستای رسیدگی به قربانیان اقدامات قابل ستایشی را روی دست گرفته است. طوریکه دولت افغانستان برای مساعدت به افراد ملکی ایکه عزیزان خویش را در جنگ از دست داده اند و یا اینکه خود مجروح گردیده اند، سه پروگرام را براه

انداخته است. چنانچه کمک های پولی ایکه از طریق صندوق «فرمان ۹۹ رییس جمهور» صورت میگیرد، برجسته ترین کمک ها به حساب میآید. طوریکه طی این پرداخت ها در مقابل هر کشته ناشی از جنگ مبلغ یک صد هزار افغانی (۱۰۰,۰۰۰ افغانی) معادل ۲۰۰۰ دوهزار دالر امریکایی و مبلغ ۵۰,۰۰۰ پنجاهزار افغانی معادل یکهزار (۱۰۰۰) دالر امریکایی پرداخت صورت میگیرد. علاوهً وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین دو بودجه دیگر را برای قربانیان ملکی جنگ اختصاص داده است که درین راستا از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. طوریکه طی این بودجه برای بازماندگان کشته شدگان در جنگ ماهانه مبلغ ۱,۵۰۰ (یکهزار و پنجمصد) افغانی معادل ۳۰ دالر امریکایی و برای مجروحین ناشی از جنگ از ۷۵۰ الی ۱,۵۰۰ افغانی معادل (۱۵ الی ۳۰ دالر امریکایی) پرداخت صورت میگیرد. درین گزارش منظور از پرداخت های نقدی، پولی و مالی شامل هرکدام از پرداخت هایست که در فوق ذکر گردید.

هرگونه خساره و صدمه بی که از هرکدام از جوانب درگیر در جنگ به مردم ملکی وارد گردیده باشد، مستحق این کمک ها میباشد. نتیجتاً این گزارش چگونگی پروسه کمک رسانی که از طریق آن پرداخت های نقدی پروگرام های مذکور برای قربانیان ملکی جنگ در افغانستان رسانیده میشود، را به تحلیل و بررسی میگیرد. علی رغم این واقعیت که چگونگی کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ که از اثر عملیات نیروهای امنیتی افغان خساره مند گردیده اند در محراق توجه این گزارش قرار دارد. زیرا زمانیکه از اثر عملیات نیروهای امنیتی افغان مردم ملکی صدمه میبینند، پس باید سهم دولت افغانستان در کمک رسانی و غمخواری این قربانیان به حد اکثر افزایش یابد.

گرچه ایجاد این پروگرام ها کاملاً معقول و ضروری میباشد، اما موانع متعددی وجود دارد که باعث میگردند دولت نتواند از طریق حمایت و کمک های نامبرده رنج اتباع خویش را تقلیل بخشد. مشکل زمانی آغاز میگردد که عملیات نیروهای امنیتی افغان باعث وارد شدن صدمات و خسارات به مردم ملکی گردیده، و زمانیکه نیروهای امنیتی افغان برای تحقیق به منظور دریافت قربانیان میروند، از تعدادی قربانیان که واقعاً مستحق این کمک ها میباشند چشم پوشی نموده و آنان را ازین مساعدت ها محروم میسازند. هرگونه تحقیقاتی که تا کنون صورت گرفته است، موضعی بوده، نه گسترده و عمومی. از جمله عواملی که باعث تأخیر در پروسه تحقیق و شناسایی قربانیان ملکی میگردد شامل؛ عدم گزارش دهی به موقع و همیشه وقت، عدم دسترسی کامل به مناطقی که در کنترل گروه های شبه نظامی قرار دارند و از همه مهم تر بی میلی تعدادی از مقامات افغان برای شناسایی و اهمیت دادن به قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان و غیره میباشد.

بدین ترتیب، ضعف و ناکارایی در پروسه تحقیق و شناسایی قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان باعث میگردد که این قربانیان از دریافت هرگونه مساعدت محروم بمانند. از میان افرادی که ما برای ترتیب این گزارش مصاحبه نمودیم، تعداد کثیری از قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای افغان و یا هرگونه درگیری که دولت افغانستان در آن دخیل بوده است، میگویند که هیچگونه مساعد و کمکی از طرف دولت افغانستان دریافت نکرده اند. از طرفی شکایاتی که به مقامات امنیتی افغان و یا مقامات دولت محلی صورت گرفته است هیچ گونه اثری در راستای براه اندازی تحقیقات و مسؤلیت پذیری این مقامات در قبال قربانیان ملکی نداشته است. مصاحبه های مان با این قربانیان نشان میدهد که اگر کدام تحقیقاتی هم براه انداخته شده است، مسؤلین پروگرام تحقیق با آنان هیچگونه مشوره نکرده و علاوهً از نتایج این تحقیقات آنان را آگاه نساخته اند.

آن عده از قربانیان ملکی ایکه از اثر جنگ میان سایر گروه‌های درگیر در جنگ خساره مند گردیده و مستحق دریافت کمک های دولت افغانستان میگردند، نیز نتوانسته اند که ازین مساعدت ها مستفید گردند. تعداد زیادی از قربانیان علاوه برین که فورم درخواست مساعدت را نیز خانه پُری نموده و تسلیم مسؤلین نموده اند، اما باز هم هیچ نوع کمکی دریافت نکرده اند. تعدادی از افراد صرف در صورتی حاضر اند که فورمی را خانه پُری نمایند که در آن خواستار این شوند که دیگر هیچ مقام افغان نباید در پروسه کمک رسانی به قربانیان دخیل باشد. تعدادی نیز به دلیل اینکه پروسه خانه پُری فورم های طویل و مشکل است و یا از ترس تنبه شدن از طرف گروه های شبه نظامی و یاهم از اثر عدم آگاهی از رسمیات پروسه هیچگونه فورمی را خانه پُری نمیکنند

آنچه از کسانیکه موفق به دریافت کمک های نقدی گردیده اند اظهار رضایت مینمایند. اما باز هنوز هم از پرسه دریافت این مساعدت ها شاکی اند، چنانچه روند پرداخت پول برای با سکتگی های متعددی توأم میباشد، ناکافی بودن مقدار مساعدت ها، اخاذی های مقامات و مسؤلین پروسه تا این که فرد مورد نظر را منحیث مستحق مساعدت بشناسند. از طرف دیگر هماهنگی ضعیف میان تیم های تحقیقاتی و تیم های تخنیکی ایکه این کمک ها را به نقاط مورد نظر میرسانند، باعث گردید است که کمک ها به وقت خود به محل نرسیده و یا اینکه برای قربانیان ملکی ناشی از جنگ کمک های لازم و کافی صورت نگیرد.

ازین رو برای مؤثریت و کارایی هرچه بیشتر پروسه کمک رسانی دولت افغانستان به قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان، باید هرچه عاجلتر اصلاحات لازم در پروسه ایجاد گردد. بناً این گزارش اکیداً دولت افغانستان را خطاب مینماید که تا حد امکان از وارد نمودن خسارات و صدمات به مردم ملکی خود داری نموده و در صورت تلفات و خسارات ملکی، باید بصورت جدی و کامل برای غمخواری و جبران خساره به این قربانیان عکس العمل نشان دهد. از طرفی این از وظایف تمویل کنندگان بین المللی و متحدین دولت افغانستان نیز میباشد تا نیروهای افغان را درین راستا یاری رسانند.

مرکز افراد ملکی در جنگ درین رابطه نکات ذیل را پیشنهاد مینماید، البته هریک ازین نکات در اخیر این گزارش بصورت مفصل مورد بحث قرار گرفته اند:

به دولت افغانستان:

برای رسیدگی به قربانیان ملکی باید پلان واضح و وسیعی طرح ریزی گردد، چنانچه این پلان میتواند شامل نکات ذیل گردد:

- انکشاف پروسجری که تمام مراحل را که نیروهای امنیتی افغان چگونه باید خسارات و صدمات وارده به قربانیان را گزارش داده و اقدامات لازم را اتخاذ نمایند، بصورت شرح و قدم به قدم در بر گیرد.
- ایجاد تیم های مسلکی تحقیقاتی جهت شناسایی صدمات وارده به مردم ملکی، ارایه همکاری و هماهنگی های عملی با نیروهای امنیتی افغان در رابطه به جلوگیری و کاهش تلفات افراد غیر ملکی در جریان عملیات نظامی. از طرفی این تیم ها میتوانند از اخاذی های مقامات جهت مستحق دانستن قربانیان ملکی برای دریافت کمک ها، جلوگیری نمایند.

- ایجاد تیم کاهش تلفات ملکی افغان؛ طوریکه این تیم مسؤل بررسی و تحلیل تلفات ملکی بوده و با تیم های تحقیقاتی در هماهنگی قرار داشته و باید روند کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ را تسریع و بهبود بخشد.¹

گسترش مؤثریت پرداخت های نقدی دولت افغانستان، از طریق؛

- ریفورم پروسه درخواست برای این کمک ها، تا باشد که روند درخواست برای دریافت کمک ها ساده، شفاف، به آسانی به همه به شمول زنان قابل دسترس بوده و شامل هرگونه تسهیلات و رهنمایی ها برای درخواست کنندگان باشد.
- توزیع رهنمود ها برای مقامات ولایت جهت رهنمایی درست در قبال نحوه پرداخت ها. باید مقامات مسؤل ولایت به درستی آموزش داده شوند تا باشد که از پروسه پرداخت کمک های نقدی به قربانیان به درستی آگاه بوده و در هنگام ضرورت درخواست های کمیته نظارت ولایت را منظور نموده و حسب ضرورت باهم جلسات برگزار نمایند؛
- به راه اندازی کمپاین عمومی برای بلند بردن سطح آگاهی مردم ملکی به خصوص قشر آسیب پذیر تر مانند زنان و مهاجرین، در رابطه به کمک ها، شرایط مستحق بودن و پروسه درخواست برای دریافت این کمک ها.
- کاهش کمی ها و کاستی های پروسه پرداخت کمک ها از طریق تفنیش و بررسی متداوم پروسه. و باید در مورد تمام شایعات در رابطه به اختلاس و اخاذی های مقامات به اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، وقتاً فوقتاً گزارش ارایه گردد.
- انکشاف طرز العمل وسیعی برای پروگرام های کمکی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین برای رسیدگی هرچه بهتر به قربانیان ملکی در جنگ؛
- درخواست یک بررسی مستقل از پروگرام های آموزش مسلکی وزارت کار و امور اجتماعی، جهت انکشاف برنامه های مذکور و اطمینان ازین که عرضه آموزش های مسلکی مذکور باعث بلند رفتن تقاضا به نیروی مسلکی ملی میگردد؛
- اصلاح شرایط مستحق بودن قربانیان ملکی برای دریافت کمک های نقدی، طوریکه باید افراد ملکی ای که ملکیت های شان در جریان جنگ آسیب دیده است و یا اینکه جراحات خیفی (بدون از مرگ و معلولیت دایمی) به آنان در جریان جنگ وارد شده باشد، نیز مستحق دریافت این کمک ها شناخته شوند.

به ایالات متحده آمریکا، سایر ممالک عضو آیساف و ممالک تمویل کننده نیروهای امنیتی افغان:

باید تلاش صورت گیرد تا محافظت از افراد ملکی و عکس العمل برای رسیدگی به آنان در صدر اولویت های نیروهای امنیتی افغان قرار گیرد؛ که این تلاش ها میتواند از طرق ذیل صورت گیرد:

در سپتمبر سال ۲۰۱۲ مرکز افراد ملکی در جنگ طرز العملی را به مقامات افغان تقدیم کرد که حاوی طرز العمل ایجاد تیم کاهش تلفات ملکی برای افغانستان میباشد. این طرز العمل هم به لسان دری و هم انگلیسی موجود میباشد. لطفاً به «انتقال به نیروهای امنیتی افغان: طرز العمل تعقیب تلفات ملکی برای نیروهای امنیتی افغان» مرکز برای افراد ملکی در جنگ، پالیسی داخلی در سال ۲۰۱۲، مراجعه نمایید.

- تمویل تیم کاهش تلفات ملکی افغان الی مدت ۵ سال؛
- ایجاد پروسه رسمی برای نهاد های جامعه مدنی تا باشد که در داخل تشکیلات نیروهای امنیتی افغان به آموزش اهمیت محافظت از افراد ملکی در جریان جنگ بپردازند؛
- تأکید بر اینکه باید اهمیت محافظت از افراد ملکی و روی دست گرفتن اقدامات عملی برای رسیدگی به قربانیان ملکی، در تمام مراحل آموزش همواره تأیید گردیده و تمام جزواتم های نیروهای امنیتی افغان را در بر گیرد.

پیشگفتار

قبل از پایان سال ۲۰۱۴ اکثرآ نیروهای بین المللی افغانستان را ترک نموده و نیروهای امنیتی افغان مسؤل تأمین امنیت کشورشان میباشند. انتقال مسؤلیت های امنیتی به نیروهای افغان در حالی صورت میگیرد که آمار تلفات مردم ملکی هنوز هم در سطح بلندی قرار دارد. سالانه بیش از هزاران افغان ملکی کشته و زخمی شده، بیوه میگردند و یا هم وسایل معیشتی خویش را از دست میدهند. علی رغم این که گروه های شبه نظامی مسؤل تعداد زیادی از تلفات ملکی در جنگ میباشند، ناتو، آیساف و نیروهای امنیتی افغان نیز مسؤل تلفات گسترده ملکی میباشند.

افغان های ملکی مستحق دریافت کمک ها از جوانب درگیر در جنگ میباشند، تا باشد که قسمتی از خسارات شان را با این کمک های ناچیز جبران نمایند. از دست دادن عزیزان و یا آسیب دیدگی در جنگ باعث رنجش شدید افراد ملکی میگردد، طوریکه این درد و غم صرف بخشی ازین خسارات را تشکیل میدهد. زیرا از دست دادن نان آور خانه، تخریب زمین ها و ملکیت و آسیب دیدگی ها اکثرآ فامیل های افغان را با مشکلات مزمن اقتصادی مواجه میسازد. زیرا این مردم فقیر در یکی از فقیر ترین ممالک دنیا زندگی مینمایند، طوریکه بعد از واقعات جنگی به فقر و مشکلات اقتصادی آنان افزوده میشود.

طی سال های اخیر، آیساف گامهای مثری را در راستای کاهش سطح تلفات ملکی و رسیدگی به قربانیان ملکی برداشته است. طوریکه این اقدامات مثر شامل، انکشاف رهنمون های تکتیکی، ایجاد پروسیجرهای تحقیقاتی و یک واحد رسمی جهت مانیتور و بررسی از تلفات ملکی ایکه از اثر عملیات نیروهایش بوجود آمده است و بلاخره تأمین کمک های نقدی جهت جبران خسارات وارده برای قربانیان ملکی. گرچه دولت افغانستان از ظرفیت های لازم برخوردار نیست، اما باز هم اقدامات ارزنده ایی جهت کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ اتخاذ نموده است. بناً با انتقال مسؤلیت های امنیتی به نیروهای امنیتی افغان، دولت افغانستان و نیروهای امنیتی افغان به میکانیزم های مؤثری در داخل تشکیلات خود نیاز دارند.

این گزارش حاوی عکس العمل افغانها در رابطه به قربانیان ملکی در جنگ میباشند، که شامل پالیسی ها و رویکرد هایی برای تحقیقات مبنی بر تلفات ملکی و پرگرام های کمک رسانی به افراد ملکی ایکه قربانی جنگ گردیده اند، میباشند. این گزارش یک تحلیل جامع و گسترده پیرامون گرایشات سطح تلفات ملکی را در افغانستان ارایه نمیکند، بلکه این گزارش صرف ظرفیت های

دولت افغانستان را در راستای رسیدگی و غمخواری به قربانیان ملکی با استفاده از سیستم های موجوده و استدلال برای اصلاحات فوری جهت بلند بردن مؤثریت این میکانیز ها، ارایه میدارد.

این گزارش به پنج فصل منقسم میباشد. آسیب ها به افراد ملکی، که حاوی چشم اندازی در رابطه به گرایشات تلفات ملکی بوده و حاوی معلوماتیست که نشان میدهد گروههای درگیر در جنگ تا بحال برای کاهش تلفات ملکی یا رسیدگی به قربانیان ملکی چه اقداماتی را روی دست گرفته اند. ایجاد قضیه برای عکس العمل جدی افغان ها به آسیب های مردم ملکی، ابعاد اخلاقی، استراتژیک و فرهنگی را برای دولت افغانستان استدلال مینماید تا باشد که به آسیب دیدگی های قربانیان ملکی توجه جدی مبذول دارد. پروسه تحقیق و بررسی از آسیب دیدگی های مردم ملکی توسط افغان ها، میکانیز های موجوده دولت افغانستان را جهت کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ تحت بررسی میگیرد که در ادامه اصلاحات لازم برای بهبود روند کمک رسانی نیز پیشنهاد میگردد. میکانیز رسیده گی دولت افغانستان به آسیب دیده گی مردم ملکی، پروگرام های پرداخت های نقدی دولت افغانستان را برای قربانیان ملکی مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهد. پیشنهادات، پیشنهادات و توصیه هایی را جهت تقویت ظرفیت های دولت افغانستان در امر رسیدگی به قربانیان ملکی جنگ ارایه میدارد.

روش تحقیق

مرکز افراد ملکی در جنگ تحقیقی را از ماه مارچ سال ۲۰۱۲ الی ماه اکتوبر سال ۲۰۱۲ در چهارده ولایت افغانستان براه انداخت؛ که این ولایات چهارده گانه شامل: فراه، هرات، کابل، کندهار، کاپیسا، کنر، کندز، لغمان، لوگر، میدان وردک، ننگرهار، پکتیا، تخار و ارزگان میباشد. تعدادی از افراد ملکی از مربوطات ولایت هلمند نیز مصاحبه گردیدند. طوریکه مجموع تعداد مصاحبه شوندهگان به ۱۸۱ نفر به شمول مقامات حکومتی، اعضای پارلمان، قربانیان ملکی جنگ که از جراحات و خسارات وارده به ملکیت هایشان در جریان جنگ رنج میبرند، و تعدادی از مشاورین بین المللی در بخش امنیتی و دفاعی افغانستان، میباشد. بیش از نصف مصاحبه شوندهگان افغان های ملکی بوده اند.

هدف از تحقیقات انجام یافته به دو مورد برمیگردد: اول؛ تدوین و انسجام پالیسی ها و اقدامات کمک رسانی دولت افغانستان برای رسیدگی به قربانیان ملکی جنگ، طوریکه این پالیسی ها و رویکردها با تمرکز بالای پروگرام های تحقیقاتی و میکانیزم عملی و کارای کمک رسانی طرح گردیده است. دوم؛ شناسایی کمی و کاستی های پروسه رسیدگی دولت افغانستان به قربانیان ملکی جنگ و ارایه پیشنهادات عملی در موارد لازم.

با آنکه از مقامات دولت افغانستان که بصورت مستقیم در پروسه نظارت از برنامه های کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ دخیل میباشدند، در کابل و ولایات نامبرده مصاحبه صورت گرفت. تلاش های زیادی صورت گرفت تا جهت جمع آوری مثال های بارزی از آسیب دیدگان ا ملکی که در جریان جنگ توسط یکی از طرفین جنگ از اثر حملات هوایی، ماین های کنار جاده بی و سایر اشکال جنگ خساره مند گردیده اند، دست آویز هایی حصول گردد.

طی مصاحبات مان از قربانیان ملکی جنگ، با سه نوع قربانی ملکی جنگ مصاحبه صورت گرفت؛ اول: آنکه از قربانیان ملکی جنگ که از کمک های نقدی دولت افغانستان مستفید شده اند؛ دوم: آنکه از قربانیان ملکی جنگ که برای دریافت کمک های نقدی

درخواست نیز کرده اند اما دریافت نکرده اند؛ سوم: آنچه از قربانیان ملکی جنگ که از موجودیت برنامه های کمک رسانی دولت افغانستان کاملاً بی خبر بوده اند.

علاوفاً تعدادی از قربانیان ملکی جنگ که از کمک های نقدی مستفید شده بودند توسط مقامات دولت افغانستان برای مصاحبه معرفی گردیدند. و ماهم برای درک احساس کسانی که از این کمک ها به منظور جبران خسارات وارده بر آنان در جریان جنگ برایشان اعطا گردیدند، با آنان مصاحبه نمودیم.²

با در نظر داشت مسئولیت و امنیت این افراد ملکی ای که مصاحبه شده اند، نام های اصلی شان با نام های مستعار تعویض گردیده است. بنا به حساسیت مسئله تلفات ملکی، تعدادی از مقامات دولت افغانستان و مشاورین بین المللی تقاضا نمودند که نام های اصلی شان منتشر نگردد، و ما نیز به این تقاضایشان احترام گذاشته و قبول نمودیم.

۱. چگونگی رسیدگی به آسیب های افراد ملکی در افغانستان: تا بحال چه اقداماتی صورت گرفته

است

سطح تلفات ملکی در افغانستان همواره با رقم بلندی پابرجاست. یوناما از سال ۲۰۰۷ بدین سو پروگرام ارزیابی و بررسی از فعالیت های جوانب درگیر در جنگ را آغاز نموده است. یافته های این تحقیقات نشان میدهد که آمار تلفات ملکی سالانه به صورت چشمگیری رو به افزایش میباشد. طوریکه طبق این گزارش تعداد تلفات ملکی در سال ۲۰۱۱ به ۳۰۲۱ تن کشته و ۴۵۰۷ زخمی بالغ میگردد.³ به اساس آماري که از طرف یوناما منتشر گردیده است، طالبان و سایر گروه های شبه نظامی مسؤل بیشترین رقم این تلفات میباشد که بالغ به ۷۷ درصد از مجموع تلفات در سال ۲۰۱۱ میگردد. گرچه درین قسمت اول سال ۲۰۱۲ آمار تلفات ملکی کاهش یافته است، اما تا حال معلوم نیست که در جریان ماهای بعدی امسال این کاهش ادامه خواهد داشت یا خیر.⁴ این فصل تمام اقداماتی را که جوانب درگیر در جنگ جهت رسیدگی به آسیب هایی که آنان در جریان جنگ به مردم ملکی رسانده اند، روی دست گرفته اند، مورد بحث و بررسی قرار میدهد.

² اکثریت از قربانیان ملکی ایی را که ما مصاحبه نمودیم و مستحق دریافت کمک های نقدی دولت نیز بودند، به دلایل مختلفی ازین کمک ها محروم گردیده اند، که عوامل آن میتواند شامل: پروسه بیروکراسی و تشریفات طویل اداری در رابطه به دریافت کمک های نقدی، قلت آگاهی افراد ملکی از این پروگرام ها و روند درخواست کمک ها، هماهنگی ضعیف برای انسجام این کمک ها، هراس مردم ملکی از این که از طرف گروه های شبه نظامی مورد تنبه قرار گیرند (این هراس باعث شده است تا تعدادی ازین مردم ملکی از درخواست کمک های نقدی خود داری کرده اند)، قلت کمک ها برای پرداخت کمک های نقدی و اخادی ها از طرف مقامات محلی در جریان پروسه درخواستی کمک های پولی و غیره، میگردد. عوامل نامبرده در ادامه این گزارش مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. نتیجتاً دریافت تعداد دقیق افراد ملکی ای که واقعاً ازین کمک های نقدی دولت مستفید گردیده اند، امریست دشوار. صرف با تعدادی از افراد ملکی ای که از طرف مقامات دولت افغانستان بر ایمان معرفی گردیده بودند، مصاحبه نمودیم که در ایجاد یک دیدگاه واضحت در رابطه به اینکه کدام نوع افراد ازین کمک ها مستفید شده اند و چرا، ممد واقع شده اند. این دیدگاه میتواند اساسی برای یک تحلیل در زمینه باشد، که در ادامه در این گزارش روی ان بحث صورت میگردد.

³ مطابق به گزارش یوناما، آمار کشته شدگان ملکی درین سال ها ازین قرار است: ۲۰۰۷ (۱۵۲۳ تن)، ۲۰۰۸ (۲۱۱۸ تن)، ۲۰۰۹ (۲۴۱۲ تن)، ۲۰۱۰ (۲۷۹۰ تن). به گزارش سالانه یوناما/OHCHR در سال ۲۰۱۱، تحت عنوان «محافظة از افراد ملکی جریان جنگ» منتشره فیروری ۲۰۱۲ مراجعه گردد. (ص ۱)

⁴ به اساس گزارش یوناما تلفات ملکی در نیمه اول سال ۲۰۱۲ در مقایسه با نیمه اول سال ۲۰۱۱، حدود ۱۵ درصد کاهش یافته است. در زمینه به گزارش نیمه ساله یوناما «محافظة از افراد ملکی جریان جنگ» منتشره آگست سال ۲۰۱۲، مراجعه گردد. (ص ۹-۸)

نیروهای بین‌المللی

چندین سال نیروهای بین‌المللی مسؤل بخش عمده بی از تلفات افراد ملکی بوده اند. طوریکه حملات نظامی نیروهای بین‌المللی بیشترین تلفات افراد ملکی را از خود به جا می‌گذاشت. تلاشی های شبانه که تلفات ملکی کمتری را در قبال داشت، اما باعث بروز حساسیت ها میان مردم محل و نیروهای بین‌المللی می‌گردید، زیرا این تلاشی ها در مخالفت با فرهنگ مردم محل قرار داشت. تلفات ملکی و خسارات مالی ناشی از عملیات نیروهای بین‌المللی، علی‌الخصوص زمانیکه هیچ نوع اهمیتی به مسئله کمک رسانی، همدردی و عذر خواهی به قربانیان ملکی از طرف دولت افغانستان صورت نگرفته است، باعث بروز احساسات منفی و مخالف در اجتماعات محلی گردیده است.⁵

در سال های اخیر نیروهای بین‌المللی جهت کاهش تلفات ملکی اقدامات مثبتی را رویدست گرفتند. در سال های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ قوماندانان نیروهای آیساف هدایت نامه های لازم را برای نیروهای شان جهت حملات هوایی این نیروها که باعث تلفات ملکی می‌گردید، تهیه نمودند. و در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ آیساف علاوه بر رهنمون هایی را تهیه نمودند که بالای کاهش تلفات و خدشه دار شدن احساسات مردم ملکی در جریان حملات شبانه این نیروها تمرکز داشت.⁶

در سال ۲۰۰۸ آیساف واحد ویژه بی را جهت بررسی تلفات ملکی ایجاد نمود، تا باشد که این واحد سطح تلفات ملکی را بررسی و تحلیل نموده، توصیه ها و نظریات در زمینه ارایه نموده و جهت کمک رسانی و جبران خسارات ناشی از عملیات نیروهای بین‌المللی مساعدت نماید. گرچه عدم موجودیت ظرفیت های کافی، ناکافی بودن گزارشات نیروهای بین‌المللی و نبود یک تیم تحقیقاتی متعهد باعث گردید تا این واحد مسؤلیت های خویش را قبل از وقت معینه به پایان رساند. اما روند گزارش دهی و تحقیقات به مرور زمان انکشاف یافته است. علی‌رغم این که آیساف در امر پذیرفتن و رسیدگی کردن به قربانیان ملکی ناشی از عملیات شان بهبود یافته اند، اما هنوز روند کاهش تلفات ملکی در داخل این نهاد از شفافیت لازم برخوردار نمیباشد. طوریکه یوناما در سال ۲۰۱۲ چنین خاطر نشان نمود: «انتشار یافته های تحقیقات باعث انکشاف و گسترش شفافیت، مسولیت پذیری و بهبود روابط با قربانیان ملکی ناشی از جنگ می‌گردد»⁷

در جولای سال ۲۰۱۱ آیساف یک قدم جلو تر گذاشت، طوریکه این نهاد تیم کاهش تلفات ملکی را تشکیل داد، تا باشد که این تیم به حیث نظاره گر و رهنما برای واحد بررسی تلفات ملکی ایفای وظیفه نماید. به اساس گفته های معاون سرمنشی عملیات ناتو، تیم کاهش تلفات ملکی نسبت به واحد بررسی از تلفات ملکی دارای امکانات و منابع بشری بهتری بودند. طوریکه تیم مذکور مستقیماً

⁵ برای مطالعه انتقادات علیه نیروهای بین‌المللی به «از دست دادن حمایت مردم: عواقب و پیامد های رنج کشیدن مردم ملکی در افغانستان» که از سوی مرکز افراد ملکی در جنگ در سال ۲۰۰۹ نشر گردید و «از امید تا حراس: دیدگاه افغان پیرامون عملیات دولت و متحدینش در افغانستان» کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۲۰۰۸، مراجعه گردد.

⁶ به «عواقب و هزینه کشتار/توقیف: تأثیرات حملات شبانه بالای افرادملکی»، بنیاد جامعه باز منتشره سال ۲۰۱۱ مراجعه گردد.

⁷ گزارش سال ۲۰۱۱ «افغانستان: حفاظت از مردم ملکی در جریان جنگ» ص ۲۷

به معاون قوماندان عملیاتی آیساف گزارش میدهد. علاوه بر این تیم چهار گروه کاری داخلی را در اختیار داشته و این گروه های کاری گرایشات و گراف های تلفات ملکیان را تحلیل و تجزیه نموده و هدایات و نظریات لازم را ارائه مینمایند. بناً از وقتی که آیساف در مطابقت به این تحلیلات و بررسی ها عمل مینماید، سطح تلفات ملکی به شکل قابل ملاحظه یی کاهش یافته است.⁸

بعد ازین که عملیات آیساف باعث بروز تلفات ملکی گردید، تعداد زیادی از کشورهای عضو آیساف کمک های بلاعوض نقده را برای جبران یا کاهش این خسارات ارائه نمودند. گرچه مقامات امریکایی از پرداخت کمک های نقده در افغانستان با ممانعت هایی مواجه گردیدند، اما آنان در سال ۲۰۰۳ به پرداخت این کمک ها اقدام نمودند، که بزودی کشور های عضو آیساف نیز به تعقیب ایالات متحده، به چنین پرداخت هایی اقدام نمودند. نحوه و مستحق بودن افراد طی این کمک ها، مطابق به تعبیرات کشور های کمک کننده متفاوت میباشد. اما بصورت عموم پرداخت های نقدی برای قربانیان ملکی از دوصد دالر امریکایی آغاز و به چندین هزار دالر امریکایی (در صورت مرگ و یا جراحات جدی) نیز میرسد. طوریکه سطح این پرداخت ها از طرف قوماندانان ساحوی آیساف یا به اساس پیشنهادات افسران مسؤل با مشوره مقامات یا ریش سفیدان افغان تعیین میگردد.⁹ اما علی رغم این، روند کمک رسانی به اساس بعضی حوادث و اقدام غیرمترقبه اییکه از طرف کشور های عضو آیساف صورت میگیرد، به سکتگی ها مواجه میگردد، و از طرفی پایین بودن سطح آگاهی عامه جهت درخواست برای کمک های متذکره عامل دیگری سد راه این کمک ها میباشد.¹⁰

طالبان و سایر گروههای مخالف

گروه های شبه نظامی اییکه در افغانستان فعالیت دارند، اقدامات محدودی را در راستای کاهش تلفات ملکی اتخاذ نموده اند. رهبری طالبان در سال ۲۰۰۶ یک لایحه یی را صادر نموده و طی آن به جنگجویان خویش خطاب نمودند تا از آسیب رساندن به مردم ملکی خود داری نمایند، و هرگاه فرماندهان نتوانند که از تلفات و آسیب ها به مردم ملکی جلوگیری نمایند، درین لایحه به مجازات تهدید گردیده بودند. این لایحه در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ تجدید و تعدیل گردید. و گزارشات نیز میسرسانند که طالبان مردم ملکی را از راه هاییکه با ماین فرش شده بود، برحذر داشته اند. علاوه بر این آنان در سال ۲۰۱۰ از مردم خواستند تا یک کمیسیونی را جهت تحقیقات از چگونگی تلفات ملکی ایجاد نمودند.¹¹

⁸ «فکت شیت: اقدامات اخیر جهت جلوگیری از تلفات ملکی» مکتوبی از طرف ستفن ایوانز، معاون سرمنشی عملیاتی ناتو، به مرکز افراد ملکی در جنگ و هفت سازمان دیگر که در افغانستان مشغول وظایف خویش میباشند. ۱ فیروری ۲۰۱۲.

⁹ به اساس تحقیق مرکز برای افراد ملکی در جنگ، ممالکی مانند: ایالات متحده، انگلستان، جرمنی، ایتالیا، هالند، کانادا، استرالیا، پولند و ناروی کمک های نقدی را برای قربانیان ملکی در افغانستان ارائه نموده اند. اپریل ۲۰۱۰.

¹⁰ به گزارش سال ۲۰۱۱ تحت عنوان: «محافظة از افراد ملکی در جنگ» مراجعه گردد. ص ۲۸-۲۷.

¹¹ به لنک زیر مراجعه نمایید: <http://www.odihpn.org/humanitarian-exchange-magazine/issue-49/civilian-casualties-in-afghanistan-evidence-based-advocacy-and-enhanced-protection>.

اما تا بحال، این گفتار طالبان در میدان عمل هیچ تأثیری بر سطح تلفات ملکی نداشته است. طوریکه در واقعیت امر طالبان و گروه‌های مشابه آنان طی سال‌های گذشته حملاتی را اجرا نموده‌اند که طی آن تعداد کثیری از افراد ملکی به قتل رسیده‌اند و این ارقام و آمار همواره رو به افزایش بوده است.¹²

گروه‌های شبه نظامی نیز مسولیت تلفات ملکی را به عهده نمی‌گیرند. نه طالبان و نه کدام گروه شبه نظامی دیگر در افغانستان هیچ پالیسی‌ای برای پذیرفتن تلفات ملکی ناشی از عملیات‌شان ندارند. چه برسد به اینکه به این قربانیان ملکی کمک نمایند. در آوان حمله آمریکا به افغانستان، مرکز افراد ملکی در جنگ از شایعاتی ملتفت شده است که گویا طالبان چندباری به منظور همدردی با قربانیان ملکی ادویه و پرداخت‌های نقدی به آنان ارایه نموده‌اند. اما متأسفانه که این مرکز نتوانسته است که تا بحال به شواهدی دال برین شایعات دست یابد. اگر این کمک‌ها گاهی هم وجود داشته است، به مقدار اندک بوده و آن هم نیز یک نمایشی بیش نبوده است.¹³

انتقال مسولیت‌ها به نیروهای امنیتی افغان

به اساس گزارش یوناما، نیروهای امنیتی افغان مسؤل کمترین بخشی از تلفات ملکی نسبت به هر جانب درگیر در جنگ بوده‌اند.¹⁴ یکی از عوامل برای این واقعیت همانا این است که نیروهای امنیتی افغان صرف درین اواخر مسولیت عملیات نظامی را به عهده گرفته‌اند. طوریکه شاخص‌ها نشان می‌دهند، تلفات ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان متناسب با مسولیت‌های امنیتی‌شان روبه افزایش می‌باشد.

علی‌رغم حقیقت فوق، اما از آن طرف مقامات دولت افغانستان همواره ارقام منتشره از طرف یوناما را استدلال نموده و ادعا می‌نمایند که اگر تمام مسولیت‌های نظامی به این نیروهای انتقال شود، سطح تلفات ملکی کاهش خواهد یافت. ازین رو روحیه اکثر مقامات افغان طوریکه فکر می‌کنند که نیروهای امنیتی افغان به اقداماتی جهت کاهش تلفات ملکی نیاز ندارند.

پایین بودن سطح تلفات ملکی نمیتواند که گرایش‌های این تلفات را در آینده نشان دهد. نیروهای بین‌المللی تا بحال عملیات وسیعی را جهت حمایت از دولت افغانستان اجرا نموده‌اند. پروسه انتقال مسولیت‌های امنیتی به افغانها در اواخر سال ۲۰۱۲ آغاز گردیده¹⁵ و صرف مدت کوتاهی میشود که نیروهای افغان مسولیت تامین امنیت مناطق عمده کشور را به دوش گرفته‌اند. تا به حال سه مرحله از پلان پنج مرحله‌ی انتقال مسولیت‌ها از آیساف به نیروهای افغان تحت اجرا قرار دارد.¹⁶ مطابق به پلان مذکور تمام نقاط

¹² مطابق گزارش یوناما، گروه‌های نظامی مسؤل کشته شدن این تعداد از افراد ملکی در سال‌های متعدد گردیده‌اند: ۴۱۱۲ تن قربانی در سال ۲۰۰۹، ۵۴۲۶ تن در سال ۲۰۱۰ و ۶۹۸۱ تن در سال ۲۰۱۲. این ارقام شامل کشته شدگان ملکی و مجروحین میگردد. به: «گزارش سال ۲۰۱۰ در مورد افغانستان تحت عنوان «محافظة از افراد ملکی در جنگ» مراجعه شود. ص ۱۰.

¹³ به «از دست داد حمایت مردم: عواقب و هزینه رنج بردن مردم ملکی در افغانستان» ص ۵۶ مراجعه شود.

¹⁴ این ادعا مبنی به آمار است که در سال ۲۰۱۱ طی راپور سالانه این نهاد، و گزارش نیم سال ۲۰۱۲ به نشر رسید. این گزارشات رقم تلفاتی که ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان صورت گرفته است را از تلفات ناشی از عملیات نیروهای بین‌المللی جدا ساخته است. این آمار در راپور سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «افغانستان: محافظت از افراد ملکی در جنگ» و «افغانستان: راپور نیم سال ۲۰۱۲: محافظت از مردم ملکی در جنگ» قابل دسترس می‌باشد.

¹⁵ به گزارش الجزیره، ۱۷ جولای ۲۰۱۱ «انتقال امنیت در افغانستان آغاز گردید» مراجعه گردد.

¹⁶ گزارش ناتو «انتقال به رهبری افغانها»: http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_2012_10/20121008_media-backgrounder_inteqal_en.pdf مراجعه گردد.

افغانستان باید قبل از تابستان سال ۲۰۱۳ تحت پروسه انتقال قرار گیرد.¹⁷ با جریان انتقال امنیت به نیروهای امنیتی افغان و جریان عملیات نظامی از طرف این نیروها، شاهد افزایش سطح تلفات ناشی از عملیات نظامی این نیروهای خواهیم بود. زیرا مجهزترین اردو در جهان نیز ازین امر مستثنا نمیباشد.

به منظور تشویق این روند، دولت افغانستان و نیروهای امنیتی افغان اقداماتی را برای کاهش سطح تلفات ملکی روی دست گرفته اند. در تابستان سال ۲۰۱۲ مقامات ارشد آیساف و نیروهای امنیتی افغان اقدام به ایجاد «بورد تلفات ملکی»¹⁸ نمودند. علاوه بر این بورد دارای گروپهای کاری میباشد که به هدف انتقال مهارت های کاهش تلفات را از نیروهای آیساف به نیروهای افغان انتقال میدهد. در ضمن یک از مقامات در داخل اداره امور دفتر رییس جمهور منحیث هماهنگ کننده و شخص ارتباطی با صلاحیت در رابطه به تیم کاهش تلفات ملکی تعیین گردیده است.¹⁹ از مدتی بدین سو مرکز هماهنگی اطلاعات ریاست جمهوری افغانستان نیز در پی تحقیق و بررسی از سطح تلفات ملکی بوده است. هدف نهایی این است تا به کمک دولت افغانستان یک نهاد رسمی در داخل تشکیلات دولت افغانستان جهت کاهش تلفات ملکی و آرایه کمک ها برای قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان، میباشد. طوریکه درین اواخر دولت افغانستان پروسه جرحه های کاری در رابطه به تحقیقات از تلفات ملکی و آسیب دیدگی ها و آرایه کمک های نقدی به این قربانیان ملکی جنگ، روی دست گرفته است.

این اقدامات گام های مثبتی درین راستا میباشد. هرچند مؤثریت این میکانیزم ها با چالش ها متعددی مواجه میباشد. چنانچه این چالش ها در خلال روند تحقیقات آسیب دیدگی های مردم ملکی از طرف دولت افغانستان و میکانیزم های دولت افغانستان برای پاسخگویی به آسیب دیدگی های قربانیان ملکی، مورد بحث قرار گرفت.

۲. ترتیب قضیه عکس العمل جدی دولت افغانستان علیه آسیب ها به مردم ملکی

قبل از تحلیل و بررسی چگونگی مؤثریت سیستم های کمک رسانی به قربانیان ملکی جنگ از طرف دولت افغانستان، باید به یک سلسله و وجایی را که یک دولت مانند دولت افغانستان برای کمک رسانی و کاهش تلفات ملکی در جریان جنگ دارا میباشد، اشاره مینماییم.

تعدادی از جوانب درگیر در جنگ به افراد ملکی ایکه از اثر واقعات غیر مترقبه آسیب دیده اند، کمک آرایه میدارند.²⁰ این اقدامات تحت عنوان « ایجاد اصلاحات» صورت میگیرد. اصلاح یا تعدیل همانا درین گزارش به معنی؛ معذرت خواهی،

¹⁷ برای تحلیل های مزید به « سه مرحله انتقال امنیت در سال ۲۰۱۳» به قلم فابریزیو فوشینی از نیویارک تایمز، ۱۷ می ۲۰۱۲ مراجعه نمایید:

<http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=2751>

¹⁸ « CIVCAS » نام تیمیست که از طرف آیساف برای تلفات ملکی اطلاق میگردد. به گفته آیساف، بورد «تلفات ملکی» آیساف-نیروهای امنیتی افغان دارای چندین گروپهای کاری میباشد که رسماً در ۱۰ سپتمبر سال ۲۰۱۲ به منظور انتقال مهارت های نیروهای آیساف به نیروهای افغان جهت کاهش تلفات مردم ملکی در جریان عملیات، ایجاد گردید. درین رابطه به لنک <http://www.isaf.nato.int/article/transcripts/media-roundtable-13-sep-2012-2.html> مراجعه گردد.

¹⁹ در خزان سال ۲۰۱۲، رییس جمهور کرسی داکتر مدبر را در اداره امور به حیث شخص محوری از طرف دولت افغانستان برای امور کاهش سطح تلفات ملکی تعیین گردید.

²⁰ منظور از «آسیب دیدگیهای تصادفی افراد ملکی» همانا تلفات ملکی ایست که در جریان عملیات نیروهای بین المللی که در مطابقت با قوانین حقوق بشردوستانه انجام میپذیرد، رخ میدهد. اغلب ارتش ها به این نوع تلفات ملکی «خسارات متوازی» اطلاق میکنند.

توضیحات، و کمک‌ها از قبیل ارایه کمک‌های نقدی یا مواد ارتزاقی که از سوی جوانب درگیر در جنگ برای قربانیان ملکی جنگ فراهم میگردد. این اقدامات که جهت احترام و همدردی با قربانیان ملکی جنگ صورت میگیرد، میتواند که از طریق خود طرف درگیر در جنگ و یا اگر در شرایط کنونی بهتر باشد، به نیابت از طرف درگیر در جنگ صورت گیرد. این اصطلاح یعنی تعدیل و اصلاح به هیچ عنوان به معنی جبران خسارات نمیباشد. زیرا جبران خسارات همانا پرداخت‌هاییست که از طرف‌های درگیر در جنگ بصورت قانونی و اجباری برای آسیب‌دیدگان ملکی در جنگ پرداخت میگردد. بلکه در عوض، اصلاحات همانا تلاش‌هایی اند از طرف طرف‌های درگیر در جنگ برای قربانیان ناشی از عملیات قانونی آنان، فراهم میگردد. یکی از مثال‌های بارز درین مورد همانا ارایه توضیحات و تشریحات از طرف نیروهای امنیتی پولیس افغان به فامیلیست که قسمتی از خانۀشان مورد اصابت راکت‌هاوان قرار گرفته است. بنائبروهای امنیتی افغان علاوه بر پرداخت مبلغ نقدی برای بازسازی منزل‌شان برای این فامیل پرداخت نمود، در مورد این که اصلاً هدف این راکت جنگجویان طالب بوده ولی تصادفاً بالای منزل آنان اصابت نموده است. عرضه این اصلاحات و غمخواری‌ها در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. حدوداً ده کشور عضو آیساف در افغانستان و تعدادی از کشورهایی که در ماموریت اتحادیه افریقا در سومالیا نیز اصلاحات و غمخواری‌هایی را به آسیب‌دیدگان ملکی در جریان عملیات خویش عرضه نموده اند. ازین لحاظ مرکز افراد ملکی در جنگ معتقد است که ایجاد چنین اصلاحات یک آغازی برای انگشاف تغییرات مؤثر میباشد.

در ضمن تعداد زیادی از ممالک به شمول دولت افغانستان پروژه‌های کمک‌رسانی را ایجاد نموده اند که طی آن هر فرد ملکی ایکه در جریان جنگ آسیب دیده باشند، ازین کمک‌ها مستفید خواهند گردید، صرف نظر ازین که این قربانیان ملکی از اثر عملیات کدام طرف درگیر در جنگ آسیب دیده اند. هرآن کمکی که از طرف قربانیان، خواه از اثر عملیات هرکدام از جوانب درگیر در جنگ آسیب دیده باشند، از طرف دولت خویش دریافت مینمایند، این چنین کمک‌ها بنام «معاونت‌ها برای قربانیان» یاد میگردد. به طور مثال کمک‌های دولت افغانستان به قربانیان ملکی ایکه از اثر عملیات آیساف یا طالبان متضرر گردیده اند، بنام معاونت برای قربانیان یاد میشود.

منحیث یک دولت دیموکراتیک، دولت افغانستان مکلف است تا دامنه کمک‌هایش را به تمام افغانهای ملکی ایکه در جریان جنگ متضرر گردیده اند، گسترش دهد. به خصوص زمانی که این قربانیان ملکی از اثر عملیات نیروهای امنیتی افغان متضرر میگردند، اینجاست که مسؤلیت دولت افغانستان در قبال این قربانیان جدی تر بوده و باید اصلاحات و غمخواری‌های لازم را برای آنان عرضه نماید. اما همانطوریکه در بحث میکانیزم‌های دولت افغانستان برای رسیدگی به قربانیان ملکی جنگ مورد بحث قرار گرفت، قربانیان ملکی ناشی از عملیات نیروهای امنیتی افغان، به ندرت از دولت افغانستان کمک دریافت نموده اند. بناً با انتقال مسؤلیت‌های امنیتی به نیروهای افغان، دولت افغانستان باید بکوشد تا با روی دست گرفتن پلان‌های دقیق و اصلاحات لازم هرچه بهتر درین زمینه رسیدگی نماید.

درین فصل دلایل اخلاقی، استراتژیک و فرهنگی را به منظور یک پلان رسیدگی جدی به قربانیان ملکی جنگ مورد بحث قرار میدهم:

دلایل اخلاقی:

اصل اساسی بشردوستی به تنهایی می تواند دلیل موجه برای تلاش ها به منظور تشخیص و ارزیابی تلفات و زیان های افراد ملکی در جریان جنگ باشد. طوریکه طرف های درگیر در جنگ قانوناً مستلزم هستند مسئولیت پذیر باشند و برای قربانیان ملکی که از عملکرد آنها متضرر میشوند غرامت بپردازند، که شامل آن خساراتی که در جریان عملیات های منظم محاروبی بوقوع می پیوندد هم می باشد. بواسطه چنین تلاش ها طرف های درگیر در جنگ شرافت ذاتی، حس بشردوستی تمام افراد و مقدس شمردن حقوق بشر بین المللی و قانون بشر دوستی را منعکس میسازند.²⁶

جبران خساره شناخت قربانیان را میسر میسازد و بیانگر تاسف به آنها است و همچنان به آنها کمک میکند تا با پیامد های مالی ناشی از دست دادن و یا زخمی شدن عزیزانشان آسانتر سازگاری نمایند. همین پروسه جبران خساره به طرف های درگیر جنگ نیز یک فرصت میدهد تا در باره عملکرد شان و اینکه چه درس های آموخته اند تا از وقوع مجدد چنین حوادث جلوگیری نماید به فامیل و جامعه شان توضیحات ارائه نمایند. برتر از کمک های پولی، بسیاری از آسیب دیده گان ملکی می خواهند یک شناخت، توجیه و توضیح از طرف های درگیر در جنگ که به آنها ضرر رسانده اند داشته باشند. جبران خساره در قضایای که قوای امنیتی قوانین داخلی و بین المللی را زیر پا نکرده اند می تواند یک شکل التیام بخشی به قربانیان ملکی را داشته باشد.

کمک به قربانیان یک مفهوم کاملاً جداگانه از جبران خساره به آنها است که به وسیله آن دولت قربانیان جنگ کشور خود را ارج داده و به آنها کمک می کند. دو پیمان بین المللی، پیمان تحریم ماین های ضد پرسونل (1997) و پیمان استعمال بمب های خوشه بی (2010) از دولت های مستعد میخواهد که این نوع کمک ها را به قربانیان ماین های ضد پرسونل و سلاح های سنگین اعطاء نماید.²⁷ طوریکه این پیمان ها به استفاده از سلاح های معین ارتباط دارد آنها یک پیشنهاد مثبت قبلی برای تهیه کمک های وسیع تر برای قربانیان کرده اند. این پیشنهادات توسط چندین کشور که از جنگ و یا تروریزم متأثر شده اند با اعطاء کمک به قربانیان حمایه شده است.

دلایل استراتژیک:

تلفات ملکی می تواند به توانایی طرفین درگیر در جنگ را برای مبارزه با شورش، مبارزه با تروریزم و یا عملیات های با ثبات آنها را به شکل چشم گیری تضعیف کند. قسمیکه نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان آموخته اند که موضوع آگاهی منطقی به روش طرفین درگیر جنگ تاثیرگذار است که شامل پاسخ به آسیب افراد ملکی نیز میشود. تا موقعیکه تمام تلاش ها برای جلوگیری از تلفات ملکی باید صورت بگیرد، و عدم موفقیت برای شناخت و یا پاسخ مناسب به آنها وقتی واقع میشوند تنها خشم و نفرت را تقویه می بخشد. این همچنان می تواند جامعه را به آن وا دارد که به طرفین درگیر در جنگ اعتراض کنند و سرانجام به بعضی از آنها فعالانه به حمایه از مخالفین مسلح دولت بپردازند.²⁹

در افغانستان، طالبان آسیب های وارد شده به افراد ملکی از طرف آیساف (ISAF) را به مراتب در پروپاگند های خود برای تضعیف حمایه مردم از دولت به نشر رسانده اند.¹ پیام های طالبان اخیراً شدیداً تمرکز یافته بالای وقایع تلفات ملکی که به نیروهای امنیتی ملی افغان نسبت داده اند.² حتی هنگامیکه بعضی از این واقعات ساختگی باشند، ناکامی در تحقیق و واکنش مناسب به آن می تواند افغان های معمولی را به باور به این ادعا ها بکشاند. تحقیق گذشته این مرکز دریافت که خصومت بر علیه نیروهای بین المللی کاسته میشود در صورتیکه از آنها معذرت خواسته شود، توضیحات لازم ارائه شود و پرداخت های پولی به آنها صورت گیرد.³ اعمال این نوع تلاش های مشابه توسط دولت افغانستان نیز می تواند خصومت بر علیه نیروهای افغان را کاهش داده، قانونمندی دولت را تقویه بخشد و شایعات و پروپاگند ها را نیز خنثی سازد.

دلایل مبنی بر قوانین ملی و فرهنگی

قانون افغانستان و رسوم عنعوی آن نیز از تلاش ها جهت مساعدت با قربانیان ملکی متأثر شده از جنگ حمایه می کند. چنانچه در ماده 53 قانون اساسی افغانستان تصریح شده است:

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.
دولت حقوق متقاعدین (بازنشسته ها) را تضمین نموده، برای کهنسالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتمام بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

این ماده قانون سبب ایجاد انگیزه بیشتر برای سایر قوانین و سیاست جهت تمرکز بالای مساعدت ها به افراد ملکی که به سبب جنگ و یا دیگر عوامل نان آور فامیل خود را از دست داده اند یا بشدت زخمی شده اند می شود.³⁴ مساعدت های نقدی در مقابل مرگ و یا زخمی شدن با شریعت اسلامی نیز سازگار است که این مهم یک نقش بارز و موثر را در افغانستان ایفا میکند. در شریعت اسلامی دیه (جبران مالی) می تواند یک جایگزین خوب بعوض انتقام گیری باشد، که به مرور تاریخ در قسمت کاهش خصومت ها یا عداوت خونین بین قبیله ها و جوامع گذشته خدمت کرده است.³⁵

وقتی شرعیت یک مقدار پول یا دارائی را به پرداخت تجویز می کند، واقعه ها به نوعی توسط مصالحه و مذاکره عملاً حل و فصل میشوند.³⁶ به عوض یک مبلغ معین، پروسه مذاکره به دنبال یک جزای مالی که متناسب به زیان وارد شده باشد میگردد که باعث رضایت فرد متضرر شود.³⁷ بالاتر از وجه پولی، همین پروسه مذاکره و مصالحه بالای یک مبلغ متناسب جبران پولی به اختتام خصومت و اعاده ارتباطات مجدد بین جوامع کمک بسزای می کند

پرداخت های وجهی برای متضررین ملکی توسط پشتونوالی نیز حمایت میشود، که مجموعه عرف و قواعد غیرمذهبی است که اغلب پشتونها که یک بخش عمده نفوس افغانستان را تشکیل میدهند از آن پیروی می کنند.³⁸ در مناطق جنوبی و شرقی افغانستان، جاییکه پشتون ها اکثریت مطلق نفوس آنرا تشکیل میدهند و در آن زنده گی می کنند، پشتونوالی میکانیزم غیررسمی عدلی و قضائی آنها را اغلب دربرمیگیرد که مشمول تصامیم برای حل و فصل نزاع ها با پرداخت های پولی است.³⁹

چنین عنعنات مرسوم پرداخت پول به منظور کمک به جبران مرگ و صدمات وارده سبب ایجاد چنین توقعات مردم ملکی از طرف های درگیر در جنگ در افغانستان شده است. ما در فصل های بعدی نشان می دهیم که مردم ملکی که توسط نیروهای ملی امنیتی افغان آسیب دیده اند توقع مساعدت پولی دارند و آنرا به حیث اظهار تاسف و ندامت و نشانه غیر عمد بودن صدمه وارد شده می پندارند. افغانهای ملکی که توسط سایر طرف های درگیر در جنگ متضرر میشوند همچنان توقع چنین مساعدتی از حکومت شان دارند. گرچه رسوم و عنعنات محلی تنها دلیل برای چنین توقعات می تواند نباشد، اما بدون شک نقش مهمی را درین عرصه بازی می کند.

پروسه افغانی جهت تحقیق در رابطه به قربانیان ملکی:

این فصل پروسه افغانی گزارش دهی و تحقیق بالای قربانیان ملکی، و تشخیص قصور را توسط نیروی های ملی امنیتی افغان توضیح میدهد. این تحقیقات ممکن توسط اردوی ملی افغان، پولیس ملی افغان، ریاست امنیت ملی و یا از طریق هیئت مختلط صورت گیرد.

گزارش دهی و تحقیقات دقیق و اذاعات تلفات ملکی می تواند به تلاش ها به منظور شناسایی و مساعدت مردم آسیب دیده از جنگ ارزشمند واقع شود. تحقیقات سریع و با اعتبار به شناسایی قربانیان متأثر از جنگ کمک می کند و بواسطه آن معذرت خواهی، توضیح دهی و همچنان زمینه ارائه مساعدت ها مانند پرداخت های پولی را به قربانیان میسر میسازد. تحقیقات همچنان می تواند به نیروهای امنیتی کمک کند تا تجارب عملی خود را انکشاف دهند و از تکرار چنین اشتباهات نیز در آینده جلوگیری شود. اگر یا وقتی قربانیان ملکی در نتیجه نقض قانون بشردوستانه بین المللی یا نقض قانون داخلی متأثر میشوند باز هم تحقیقات التزامی است که یکنوع کوشش به منظور شناسایی اشخاص مسئول و جوابده بودن آنها است.⁴⁰ خلاصه، تحقیقات مسلکی بخش مهم و بارز در جلوگیری و جوابدهی متناسب به قربانیان ملکی به شمار میرود.

اردوی ملی افغان (ANA):

همانند نیروهای بین المللی، نیروی های اردوی ملی افغان به حسب اصول خسارات وارده در جنگ را ارزیابی، گزارش مقدار مهمات استفاده شده را تهیه و همچنان گزارشی از چگونگی اوضاع را ترتیب می نمایند.⁴¹ بر علاوه، قطعه های اردوی ملی باید گزارش هر نوع تخطی ممکن از قانون بشردوستانه بین المللی یا نقض کود عدلی اردوی ملی را به فرماندهان ارشد خود ارائه نمایند.⁴² به اساس گزارش های جمع آوری شده، تمام فرقه های منطوقی اردوی ملی گزارشات واقعات امنیتی را به ریاست عملیات های وزات دفاع تحویل میدهند. این گزارشات واقعه ها شامل واقعات تلفات ملکی که در هر منطقه از کشور بوقوع می پیوندد نیز می شود.⁴³ برطبق پروسیجرهای اردوی ملی، تمام واقعات که تلفات ملکی به همراه دارد و نیروهای اردوی ملی در آن دخیل هستند به ریاست امورحقوقی اردوی ملی که تحت هدایت مشاور حقوقی وزارت دفاع است واگذار شده و مورد بازنگری قرار میگیرد.

به متابعت از ضرورت به گزارش دهی، تحقیقات اردوی ملی بالای قربانیان ملکی با تخطی از قانون بین المللی و یا نقض کود عدلی اردوی ملی آغاز میشود.⁴² این تعهد بدین معنی نیست که نیروهای اردوی ملی مجبور به تحقیق بالای تمام تلفات ملکی که توسط نیروهای آن صورت میگرد باشد، تنها همان واقعاتی تحت بررسی و تحقیق قرار میگیرند که در آن قوانین التزامی داخلی یا بین المللی نقض شده باشد.⁴⁶ اگر فرماندهان به وقوع چنین تخطی مشکوک شوند آنها ضرورت به آغاز یک تحقیق را دارند.⁴⁷ مشاور حقوقی وزارت دفاع هم می تواند یک تحقیق را از طریق ریاست حقوقی لوی درستیز اردوی ملی آغاز کند که بخش عملیاتی دفتر مشاوریت حقوقی را تشکیل میدهد. مشاور حقوقی، مشاور دفاعی، ارنوالان، قضات، تیم تحقیقات جنائی (CID)، دفاتر حقوقی واقع در هریک از قل اردوهای منطوقی اردوی ملی مسئول تحقیق و پیگرد قضایا متذکره هستند.

پولیس ملی افغان (ANP)

به طبق گفته های مقامات ارشد پولیس ملی افغان، پولیس افغان مسئول گزارش دهی و پاسخ دهی به هر نوع عمل خلاف قانون و واقعات که به افراد ملکی ضرر میرساند می باشد.⁴⁹ اگر چه، قانون اساسی افغانستان نقش پولیس ملی افغان را در قبال چنین حوادث به حقیقت یابی و جمع آوری شواهد و مدارک محدود ساخته است. ماده 134 قانون اساسی افغانستان صلاحیت پولیس ملی افغانرا به "کشف جرایم" محدود ساخته، که به مفهوم گرفتاری افراد مشکوک و جمع آوری شواهد و مدارک جرمی است.⁵⁰ لویی ارنوالی مسئول بازرسی و تحقیق و ترتیب دوسیه بر علیه متهمین است.⁵¹ بنابراین، پولیس ملی افغان تحقیق و پیگرد جرایم جنائی را که توسط لوی ارنوالی صورت میگیرد را در برنامه کاری خود نمی گنجانند.

بزرگان محلی، مامورین استخباراتی یا افسران پولیس وقایع تلفات ملکی را به مقامات پولیس ولسوالی یا ولایت می توانند گزارش دهند. بمحض شنیدن و آگاهی از چنین وقایع مقامات ارشد پولیس ملی افغان به حسب روال رسمی یک تیم ریاست تحقیقات جنائی را به محل واقعه جهت بررسی میفرستند. تیم های ریاست تحقیقات جنائی واقعیات ها را درج، مدارک را جمع آوری و در صورت ضرورت اشخاص مشکوک را گرفتار می کنند. گزارشات تیم ریاست تحقیقات جنائی به فرمانده پولیس ولایت و فرمانده پولیس

زون که گزارش ده به وزارت امور داخله است فرستاده میشود. گزارشاتی که نشان دهنده رفتار غیر قانونی و تخطی از از قانون باشد به دفتر ارنوالی محلی واگذار شده و سپس در یک محکمه ولایتی پیگیری میشود.

برعلاوه حمایه از تلاش های برای پیگرد قانونی جرایم جنائی، تیم های ریاست تحقیقات جنائی به شناسائی وقایع که حاوی تلفات ملکی است نیز کمک می کند. همین گزارشات پولیس به برحق بودن افراد را برای شامل شدن در یکی از سه پروگرام دولت افغانستان که پرداخت های پولی به متضررین را دربر دارد ممکن می سازد که در فصل بعدی به تحلیل گرفته میشود.

در تئوری پروسیجرهای گزارش دهی، تحقیق و مسئولیت پذیری پولیس ملی افغان (ANP) باید پولیس محلی افغان (ALP) و سایر نیروهای دفاعی جامعه را نیز تحت پوشش قرار دهد.⁵⁴ این نیروها اسماً تحت فرمان و کنترل وزارت امور داخله هستند محلی که قرارگاه اصلی پولیس ملی افغان است و برحسب روال وزارت امور داخله این نیروها باید به فرمانده پولیس ولسوالی گزارش ده باشند.⁵⁵ طوریکه ادعاها مبنی بر تلفات ملکی که به پولیس محلی افغان و یا سایر نیروهای تحت حمایه دولت نسبت داده شود باید پروسه راپوردهی و مسئولیت پذیری را به پولیس ملی افغان طی مراحل کند.

ریاست امنیت ملی (NDS)

ریاست امنیت ملی یک نهاد استخباراتی ملی است که مستقیماً به رئیس جمهور و شورای ملی افغانستان گزارش میدهد. پرسونل ریاست امنیت ملی در فعالیت های مبارزه با تروریسم و جنگ معمولاً دخیل هستند، ازینرو برای واقعات تلفات ملکی نیز اغلباً مسئولیت دارند. تا اکنون، میکانیزم های گزارش دهی و شکایات رسمی در ریاست امنیت ملی نسبت به اردوی ملی افغان و پولیس ملی از شفافیت کمتر برخوردار بوده و اساساً کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هیچ میکانیزم رسمی، با اعتبار و قابل دسترس برای شکایت وجود ندارد که به افراد ملکی اجازه بدهد تا شکایات خود درج دوسیه سازند.

هیئت های ریاست جمهوری

بلاخره، برعلاوه تحقیقات متذکره که نیروهای ملی امنیتی افغان متعهد به آن هستند، رئیس جمهور کرسی هم معمولاً هیئت های را جهت بررسی و پاسخ دهی به وقایعی که حاوی تلفات ملکی است ایجاد می کند. اما این هیئت ها به نوعی در وقایع حساس سیاسی که تلفات ملکی وسیع را در بر داشته باشد گماشته میشوند که به نیروهای بین المللی، طالبان و یا سایر گروه های مسلح نسبت داده شود. این هیئت عموماً شامل نماینده های از اردوی ملی افغان، پولیس ملی افغان، ریاست امنیت ملی، نماینده مسئول ولایت مربوطه، شورای ولایتی و دیگر نماینده های جامعه مدنی میباشد. هنگامیکه این تلفات ملکی در نتیجه عملیات نظامی آیساف و یا عملیات های مشترک آیساف و نیروی های امنیتی ملی افغان بوقوع بپیوندد، چنین هیئت های ممکن همراه یا در هماهنگی و همکاری با آیساف آغاز به بررسی موضوع کنند.

تحقیقات عملی

تحقیقات ما اینرا نشان مدهد که سیاست های نیروهای ملی امنیتی افغان بمنظور تحقیق و بررسی از قربانیان ملکی کمتر شکل عملی خود را اختیار میکنند. در بین مردم ملکی ما با افرادی که مستقیماً توسط نیروهای ملی امنیتی افغان و یا در یک برخورد مسلحانه که نیروهای افغان و سایر نیروها در آن دخیل بودند متضرر شده اند مصاحبه نمودیم، یکی از آنها هم گزارش داد که قضیه آنها به شکل درست آن تحت تحقیق و بررسی قرار گرفته باشد. بعضی از مصاحبه دهنده گان حتی مستقیماً به مقامات افغان یا فرمانده هان نیروی های ملی افغان مراجعه کرده اند اما آنها موفق به بدست آوردن تصدیق از خسارات شان و یا ایجاد بازرسی در آن مورد نشده اند. عبدل، یک مرد از ولایت کندز، کوشش کرد تا شکایت خود را به مقامات ولسوالی برساند و بعد از اینکه اردوی ملی فامیل وی را متضرر ساختند درخواست برای مساعدت ها نماید. به طبق گفته عبدل، واقعه هنگام تبادل آتش بین اردوی ملی و مخالفین در جنوری 2012 در ولسوالی منوگی رخ داده است. اکثر فامیل ها به خانه های خود پناه برده بودند، بخاطریکه جنگ از طرف صبح شروع شده بود. در هنگام شام، اردوی ملی بالای خانه که فامیل عبدل زندگی میکردند شلیک کرد. برادر عبدل کشته شد و پسرش و یک عضو دیگر فامیل او وخیماً در جریان حادثه زخمی شدند

بعداً، زمانیکه او کوشش به درج شکایت نامه می کند، وادار میشود که گزارش واقعه را متفاوت از آنچه که هست بدهد. مرد کهنسال به ما گفت:

من به ولسوالی رفتم و در شکایت نامه نوشتم که برادر من توسط شلیک اردوی ملی شهید شده است. آنها به من گفتند که آنطور ننویس فقط بنویس که برادرت در جریان جنگ بین اردو و مخالفین کشته شده است و یا بنویس که برادر من به اثر بمب گزاری نیروهای ائتلاف شهید شده است.

این مرد حادثه را در همان ماهی که اتفاق افتاد (جنوری 2012) گزارش داد و درخواست کمک پولی کرد. اما دولت افغانستان تا اکنون هیچ نوع پاسخی به ادعا او نداده است.

یک حادثه دیگر در در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا در بهار 2010 رخ داده است. کاکای نواب که یک معلم بود در جریان جنگ بین نیروهای افغان و طالبان در نزدیک مکتبی که تدریس میکرد کشته شد. یک شاهد عینی به نواب گفته که اردوی ملی اشتباهاً به کاکای او شلیک کرده هنگامیکه او میخواست شاگردان را به داخل ساختمان مکتب هدایت کند. نواب این حادثه را بعد از مدتی اندک به مقام ولایت گزارش داده و خواستار مساعدت پولی از طریق وجه کود 99 اختصاص یافته از طرف رئیس جمهور شد. اما نواب به مرکز حمایه از قربانیان جنگ گفت که او هیچ وقت مساعدتی از طرف دولت افغانستان دریافت نکرده و هیچ تحقیق رسمی هم برای بازرسی موضوع از طرف اردوی ملی صورت نگرفته است.⁵⁹

در ولایت لوگر در 2008 به همین شکل قضیه اتفاق افتاده است. جلیل یک مرد جوان از ولایت لوگر، به مرکز حمایه از قربانیان جنگ گفت که به پدر او حین زد و خورد مسلحانه بین نیروی های افغان و طالبان شلیک شده است.⁶⁰ به طبق گفته جلیل، کسی

شاهد حادثه بود گفته که پدر او در حال جمع آوری محصول گندم زمین خود بود که جنگ آغاز شد. وقتی که پدر او از زمین محصول بیرون آمده توسط یکی جناح های درگیر در جنگ مورد شلیک قرار گرفته است. به باور جلیل اردوی ملی پدر او را با جنگجویان طالبان اشتباهی گرفته و به او شلیک کرده اند. جلیل به ما گفت که، "اردوی ملی قبول نکرد که آنها پدر مرا کشته اند." ⁶¹ شکایت جلیل به مقامات ولایتی هیچ نوع بازرسی و تحقیق را به بار نیاورد و نه به او پراخت پولی منحصی تسلیت به او شد. در ولسوالی گرشک ولایت هلمند، چندین تن از نیروهای اردوی ملی در یک بازار توسط اشخاص ناشناس مسلح در 9 یا 10 ماه جون 2012 کشته شدند. یک تعداد عساکر دیگر اردوی ملی برای انتقال کشته شده گان به بازار آمدند، اما ساعاتی بعد نیروهای اردوی ملی بازگشتند. یکی از دوکانداران میگوید.

اردوی ملی افغان بازگشت و به ما فرمان داد که دوکان های خود را بسته کنیم. ما از امر آنها پیروی کردیم و دوکان های خود را ترک گفتیم. طرف های شام بود که ما دیدیم که از طرف بازار دود بالا میشود. مردم گفتند که اردوی ملی افغان دوکان های ما را آتش زده است. وقتی ما پرسیدیم که چرا این کار را کرده اند، آنها (اردوی ملی) با ما بد رفتاری کرده و ما را اذیت کردند... اردوی ملی از ما خواستند که از آمدن طالبان به بازار جلوگیری کنیم. حال شما به سؤال ما پاسخ دهید - وقتی اردوی ملی نمی تواند طالبان را متوقف بسازد پس ما چطور می توانیم از آمدن آنها به بازار مان جلوگیری کنیم. البته همه نیروهای افغان به این شکل رویه نمی کنند. بعضی آنها خوب هستند و بعضی دیگر نیستند... اما حالا اردوی ملی افغان اعتماد مردم را از دست داده و دیگر هیچ کس نمی خواهد با آنها روابط خوب برقرار کند. تا اکنون در این منطقه حتی آیساف هم به چنین عملی دست نزده است. ⁶³

دوکانداران این حادثه را به فرمانده محلی اردوی ملی افغان و سایر مقامات ولایتی گزارش دادند. تا اکنون که دو ماه از وقوع حادثه میگذرد آنها هیچ پاسخی دریافت نکرده اند. یک فرمانده محلی کشته شدن سربازانش را توسط افراد ناشناس مسلح در بازار به مرکز تأیید کرد اما هر نوع دخیل بودن اردوی ملی افغان را در آتش زدن دوکان ها رد نمود و دوکانداران را مقصر آن حادثه دانست. ⁶⁴

علیرغم وجود چنین ادعاهای جدی و شکایاتی که به دولت افغانستان صورت میگیرد ظاهراً تمایل به روی دست گرفتن تحقیقات شفاف و مسئولیت پذیری هویدا نیست.

واقعه دیگری که در ولسوالی گورتپه ولایت کندز در می 2011 به وقوع پیوست. واحد های پولیس محلی (ALP) افغان درگیر جنگ مسلحانه با طالبان در صبح وقت همان روز بودند چند از تن از پولیس محلی افغان (ALP) بر علاوه فرمانده آنها ظاهراً شدیداً زخمی و ضرورت به داخل بستر شدن در شفاخانه را داشتند. بعد از آن، نیروهای پولیس محلی افغان (ALP) بالای سید و دو پسر او که در کنار مزرعه فامیلی خود بودند شلیک کردند. طبق گفته سید:

پولیس با قهر زیاد به قریه ما آمدند، آنها میخواستند انتقام طالبان را از ما بگیرند. آنها آمدند و گفتند، "بیائید این قندهاری ها را بکشیم." آنها یک پسر منیر را کشتند و پسر دیگر احمد را زخمی کردند. اشخاصی که پسرانم را کشتند و زخمی کردند همسایه های ما هستند. ما حتی در این محل از جانب پولیس هم در امان نیستیم.⁶⁵

سید به ما گفت او این واقعه را به مقامات با صلاحیت ولایتی گزارش داده است. علیرغم وعده ها به منظور روی دست گرفتن تحقیقات همه جانبه و به محکمه کشانیدن مرتکبین این حادثه، سید هیچ عملکردی از جانب دولت افغانستان ندیده است. سازمانهای حقوق بشر و خبرنگاران وقایع مشابه توهین و نقض حقوق بشر از طرف پولیس محلی (ALP) در ولایت کندز را ثبت و مستند ساخته اند.⁶⁶

یک واقعه دیگر که نیروهای محلی افغان (ALP) در آن دخیل است در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردگ در جولای 2011 رخ داده است. طیق گفته محمد نیروهای محلی افغان (ALP) پسرش و دوست او را که سوار بر موتورسایکل بودند و از بازار طرف خانه می آمدند در راه متوقف ساختند. محمد به مرکز حمایه از قربانیان جنگ گفت:

او همراه دوستش سوار بر موتورسایکل بازار رفتند تا میوه و سبزیجات به فامیل بیاورند. در راه برگشت، نیروهای افغان آنها را توقف دادند و بالای هر دوی آنها شلیک نمودند بدون کدام دلیل واضح. بعد از آن، به آنها حتی کمک هم نکردند و یا آبی به نوشیدن هم به آنها ندادند. فقط آنها ایشان را در کنار رها کردند تا درد بکشند.⁶⁷

یکی از خویشاوندان آنها که از جاده میگذشت آنها را پیدا کرد و به پدرش احوال داد که اربکی ها بالای پسرش شلیک کرده اند، اربکی نامی است که پولیس ملی افغان (ALP) بدان منسوب است. در آنوقت بچه ها هنوز زنده بودند اما چند روز بعد هر دو وفات کردند.

با وجود گزارش مکرر این حادثه به مقامات مختلف ولایتی افغان محمد هیچ نوع عملکردی که نشاندهنده روی دست گرفتن بازرسی و تحقیق بالای آن حادثه باشد مشاهده نکرده است. برای محمد عدم تلاش ها برای شناسائی، روی دست گرفتن و تحقیق همه جانبه و یا عدم به عدالت کشیدن مرتکبین این حادثه به مفهوم یک نوع کمک به منظور حفظ مسئولیت نیروهای امنیتی افغان است. بعد از گفتن داستان خود محمد یاد آور شد که به باور او "وقتی افغان ها مردم را میکشند به محکمه کشانیده نمی شوند."⁶⁸

همانطور که گفته شد، طبق پروتکل و حسب روال هر نوع تخطی از قانون داخلی یا بین المللی توسط نیروهای امنیتی ملی افغان ایجاب تحقیقات لازم را می کند. اما تا به حال با استناد به مثال های فوق و گزارش های قبلی، بیانگر این است که تحقیق شده انجام

در موارد ادعاهای بد رفتاری و آزار افراد مملکتی توسط نیروهای افغان نادر است.⁶⁹ این حالت بنابر دلایلی ناراحت کننده و وحشتناک است. اولاً، یک خلاء عمده عدم مسئولیت پذیری در چنین قضایا را برجسته میسازد. ثانیاً، نشان دهنده چالش های موجود در مقابل تحقیقات، شناسائی و مساعدت به قربانیان جنگ که توسط نیروهای افغان که بر حسب اتفاق متضرر شده اند است. و همچنان نشان دهنده عدم تعهد نیروهای ملی امنیتی افغان برای پوشش چنین واقعات است.

این بدان معنی نیست که نیروهای ملی امنیتی افغان هیچ وقت مسئولیت پذیر نبوده اند. شنیده های این مرکز حاکی از مثال های متعدد است که نیروهای افغان مسئولیت تلفات مملکتی که توسط آنها صورت گرفته را به عهده گرفته و مسئولیت پذیر بوده اند.⁷⁰ همچنان ادعاهای متعددی مبنی بر آزار و بد رفتاری با افراد مملکتی توسط پولیس محلی (ALP) مورد بررسی قرار گرفته است طور مثال 4 عضو این عنصر نیروهای امنیتی افغان به اتهام بد رفتاری در نومبر 2012 تحت پیگرد قانونی قرار گرفته اند.⁷² با آنهم جبران خساره و مسئولیت پذیری در قبال قربانیان مملکتی توسط نیروهای امنیتی ملی افغان در شکل عملی آن به ندرت دیده میشود.⁷³ استثنائات موجود شاید واقعات پرسر و صدا باشد که به ملاحظه مقامات بلند پایه نیروهای ملی امنیتی افغان رسیده و آنها با حمایت از مسلکی سازی و مسئولیت پذیری آنها را تحت بررسی قرار داده اند. با وجود این، تحقیقات هنوز هم موقتی و بدون برنامه قبلی هستند و اکثراً به مناطق انگشت شمار تحت کنترل نیروهای امنیتی ملی افغان و نیروهای مسلح آن است.⁷⁴ مسئله ضعف داخلی نیروهای افغان در مسئولیت پذیری متشکل شده از عدم موجودیت یک میکانیزم خارجی که توسط آن افراد مملکتی شکایات خود را ثبت دوسیه و در قبال آن جبران خساره بدست بیاورند.⁷⁵

ایجاد تمایل سیاسی برای رسیده گی به این امر مهم

پاسخ های نابسندنده نیروهای ملی امنیتی افغان در قبال قربانیان مملکتی اساساً نشأت گرفته از عدم تمایل و علاقه به اعتراف به وجود این مشکل از طرف آنها. در حقیقت، اکثر مقامات افغان که ما با آنها مصاحبه نمودیم تمایل نداشتند که اعتراف و اقرار کنند که در جریان جنگ نیروهای افغان سبب تلفات مملکتی میشود، حتی برحسب اتفاق. چندین تن از مقامات وزارت دفاع و وزارت امور داخله به مرکز ما گفتند که آگاهی فرهنگی و توانائی تکلم به لسانهای داخلی، نیروهای امنیتی افغان را قادر به انجام عملیات های متمایز میسازد که در نتیجه باعث جلوگیری از وقوع تلفات مملکتی میشود. بنا بر این، اکثر مقامات نیروهای امنیتی ملی افغان ضرورت به انکشاف قابلیت ها برای پاسخگویی در قبال قربانیان مملکتی متضرر از عملکرد نیروهای افغان را کم اهمیت جلوه دهند.

مهارت های دانستن لسان محلی و توانائی برداشت رهنمائی های فرهنگی مزایای غیرقابل انکار است که به نیروهای افغان کمک می کند که از اشتباهات مرگ بار جلوگیری کند. همانا، نیروهای افغان به مراتب رهبری عملیات های مشترک با نیروهای بین المللی به همین دلیل به عهده داشتند. بهرحال، عدم تمایل مقامات افغان در اعتراف به تلفات مملکتی حاصل از عملکرد نیروی ملی امنیتی افغان، خودش ایجاد تلاش ها را برای پاسخگویی مناسب به خسارات تضعیف کرده و به افزایش عدم مسئولیت پذیری از بد رفتاری و اشتباهات کمک می کند و احتمالاً تأثیرات تخریب کننده بالای تطبیق قانون در افغانستان دارد.

مقامات افغان باید جهت اطمینان از شناخت افراد مملکتی متضرر از عملکرد نیروهای امنیتی افغان و اطمینان از اینکه ادعاها مرتبط به آن به طور سیستماتیک تحت بررسی قرار میگیرد قدم های عاجل بردارند. به تیم های مسلکی در داخل نیروهای ملی امنیتی

افغان که تنها تمرکزشان بالای تحقیق بالای ادعاهای قربانیان ملکی باشد ضرورت است.⁷⁶ تحقیقات مسلکی و ماهرانه کمک میکند به ایجاد مسئولیت پذیری برای نیروهای امنیتی ملی افغانی که تلفات ملکی را بوجود می آورند، بدین گونه، باور مردم ملکی نسبت دولت افغانستان و نیروهای امنیتی بهبود میابد. تیم های تحقیقاتی باید با دولت افغانستان نیز جهت تنظیم مساعدت های پولی همکاری کند تا از دریافت مساعدت ها توسط قربانیان ملکی که از جانب نیروهای امنیتی افغان آسیب می بینند اطمینان حاصل شود. بر علاوه، ایجاد یک واحد افغان که موظف به کاهش تلفات ملکی باشد می تواند به هماهنگ ساختن این تحقیقات کمک بسزائی کند، تنظیم مجدد سیستم پاسخگویی به تلفات ملکی نیروهای امنیتی ملی افغان سبب تشخیص طرح های عملی و جلوگیری از تلفات ملکی میشود.

4. میکانیزم های رسیده گی به قربانیان ملکی از طرف دولت افغانستان

دولت افغانستان سه صندوق وجهی به منظور اعطای پرداخت های پولی به افراد ملکی که از زیان های مربوط به جنگ رنج میبرد ایجاد کرده است. دفتر رئیس جمهور یک صندوق وجهی را مختص ساخته که پرداخت های انفرادی را میپردازد و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین مسئول تنظیم دو صندوق وجهی است که کمک های مالی ماهانه به جنگ زده گان ملکی مهیا میسازد. در حقیقت، تمام کسانی که بنحوی از جانب طرف های درگیر در جنگ زخمی شده اند و یا وابسته گان افراد ملکی که کشته شده اند مستحق به دریافت چنین مساعدت های هستند. در این فصل این پروگرام ها را با جزئیات توضیح خواهیم داد، طرح ریزی برای چگونگی درخواست به این مساعدت ها و همچنان شناسائی موانع سر راه تخصیص و تطبیق آن باید بررسی شود تا اطمینان حاصل شود که قربانیان ملکی در جریان جنگ کمک های که مستحق هستند و بدان احتیاج دارند بدست می آورند.

الف. پروگرام های مساعدتی دولت

وجه احتیاط رئیس جمهور (کود 99)

از جمله سه پروگرام مساعدتی دولت برجسته ترین آن وجه احتیاطی کود 99 رئیس جمهور است. کود 99 یک وجه اجرائیوی است که منظور پشتیبانی از فعالیت های حمایتی دفتر ریاست جمهوری ایجاد شده است. در سال 2004، رئیس جمهور کرزی شروع به استفاده از این صندوق وجهی جهت اعطای پرداخت های پولی به قربانیان ملکی هنگام جنگ نمود. ضمن اینکه پروگرام توسط دفتر ریاست جمهوری نظارت میشود، والی ها و ادارت مالی مسئول طی مراحل پروسه درخواست و توزیع پرداخت ها هستند.

طبق گفته چندین تن از اعضای پارلمان، 90 میلیون دلار آمریکائی در سال 2011 به کود 99 اختصاص داده شده بود. از این مبلغ، تخمیناً در حدود 5 تا 10 میلیون دلار آن در بخش اعطای پرداخت ها به خسارات ناشی از جنگ بمصرف رسیده است.⁷⁷ عقیده بر این است که بخش زیادی از بودجه صندوق کود 99 بیشتر بمنظور حمایه از فعالیت ها، کارمندان و امنیت ریاست جمهوری استفاده میشود.

قربانیان ملکی متضرر از هر یک از جناح های درگیر در جنگ مستحق اخذ پرداخت پولی انفرادی ازین صندوق هستند. فامیل اشخاص ملکی که در نتیجه جنگ کشته یا شهید شدند مستحق 100 هزار افغانی (2000 دلار آمریکائی) و اشخاص ملکی که در جریان زخمی شده اند مبلغ 50 هزار افغانی (1000 دلار آمریکائی) باید دریافت کنند. در بعضی حالات، دولت افغانستان شاید مصارف حج یکی از اعضای فامیل به مکه جهت ادای حج را پرداخت کند و یا یک نمره زمین به فامیل متضرر اعطا کند.⁷⁹ کود 99 شامل پرداخت ها برای قربانیان ملکی آفت ها و حوادث طبیعی هم شود.

پرداخت ها از طریق صندوق کود 99 به دو هدف مورد استفاده قرار میگیرد. اولاً در درجه نخست، آنها به افراد ملکی که در اثر جنگ کشته یا زخمی داده اند کمک میکنند.⁸¹ به اکثر افغانها، از دست دادن یکی از عزیزانشان بالخصوص نان آور فامیلشان، و مجروح شدن در اثر جنگ رنج آور و از لحاظ مالی می تواند به آنها فلج کننده باشد. مساعدت ها می تواند به وابستگان آنها کمک کند که با پیامدهای مالی زیان وارده به آنها سازگاری کرده، مصارف دفن و کفن و یا مصارف تداوی را بپردازند.

اکثر اشخاصی که ما با آنها مصاحبه انجام دادیم، شامل مقامات افغان و هم مردم ملکی متاثر شده از جنگ، همگی همین احساس را داشتند که دولت افغانستان برای فراهم نمودن چنین مساعدت ها مسئولیت دارد. طوریکه، یک مقام ولایتی ذکر کرد که "هنگامیکه اشخاص ملکی متضرر میشوند این مسئولیت حکومت افغانستان است که جبران خساره کند به آنها تا حداقل همکاری و همدردی ما را با آنها نمایان سازد."⁸² و بخاطر اظهار تسلیم و همدردی آنها، اکثر والیان ولایت ها هم مراسم های کوچک را برای شناخت دریافت کننده گان این پروگرام برگزار میکنند.⁸³ در این مراسم ها نامه از طرف رئیس جمهور کرزی تحت عنوان "اظهار تاسف و همدردی" به بازمانده گان قربانیان جنگ بخوانش گرفته میشود.

بسیاری از مقامات افغان این نقطه را یادداشت کرده اند که، بر علاوه رسیده گی به ضروریات بشردوستانه، پرداخت های کود 99 به منظور ایجاد نزدیکی بین حکومت و مردم و بطور کل جلوگیری از حمایه مردم از طالبان مورد استفاده قرار میگیرد. طوریکه یکی مقامات ولایتی یاد آور شد، اگر حکومت افغانستان و آیساف جبران خساره مه مجروحین و کشته شده گان ملکی نپردازد، پس آنها (مردم ملکی) فکر می کنند که به باور دولت و آیساف آنها شورشی هستند. اگر این اتفاق بیفتند، مردم به طالبان می پیوندند.... تروریست ها هم ازین حالت بهره میگیرند.

مساعدت از طریق کود 99 در عمل:

برای تامین پرداخت های کود 99، افراد ملکی آسیب دیده یا نماینده های آنها (در اکثر حالات عضو یا بزرگ فامیل) باید یک فارم درخواست که از دفتر ریاست جمهوری قابل دریافت است را خانه پری کنند. چون اکثر افغان ها بیسواد هستند شاید مقامات دولتی در دفتر والی معلومات ابتدائیه را به درخواست دهندگان خانه پری کرده و آنها را برای قدم گذاشتن به مراحل بعدی پروسه راهنمایی کنند. با بسیاری از اشخاص ملکی که از طریق کود 99 مساعدت نقدی دریافت کرده اند مصاحبه کردیم آنها بدین اعتراف نمودند که یک از خویشاوندان با سواد و سرشناس آنها پروسه درخواست را برایشان تنظیم و پیش برده است.

در چند قضیه محدود، مقامات افغان پیش قدم بودند و تمام پروسه درخواست را برای افراد ملکی (که هر کدام از آنها در یک واقعه پرسر و صدا که تلفات ملکی وسیعی داشت یا عزیزانشان را از دست داده بودند یا خودشان مجروح شده بودن) به پیش بردند.⁸⁷ برای شهید این چنین قضیه صدق میکند او یک مرد از ولایت فراه است که عروس و دو تن از نواسه های او در یک سلسله حمله های هوایی نیروهای بین المللی کشته شده اند که در آن حادثه بالاتر از صدها نفر کشته شدند.⁸⁸ این حادثه در ماه می 2009 در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه به وقوع پیوست، و به علت بلند بودن تعداد تلفات ملکی مورد توجه خاصی در مطبوعات قرار گرفت.

فامیل شهید مساعدت های پولی را بخاطر از دست دادن اقاربش به زودی بدست آورد. او یاد آور شد:

بعد از چهار روز والی، چهار نفر از کابل، بعضی از نیروهای بین المللی و پولیس به منطقه ما آمدند. آنها از ما بعضی سوالها پرسیدند و محل وقوع حادثه را مشاهده کردند. بعد از مدت یک ماه، آنها ما (قربانیان حادثه) را به دفتر والی فراه دعوت کردند و به فامیلها برای هر شهید 100 هزار افغانی (2000 دالر) و برای هر مجروح 50 هزار افغانی (1000 دالر) پرداختند. دو ماه بعد، آنها دو گاو و یک گوساله به هر فامیل دادند. بعد از آن آقای کرزی به قریه ما آمد و به ما وعده داد که ما را به حج میفرستد، آنها 24 نفر از جنگ زده گان را به حج روان کردند. گرچه این کمک عزیزانمان را بر نمی گرداند اما مهربانی شان بود و ما سپاسگزار هستیم.

فامیل شهید 300 هزار افغانی (6000 دالر) دریافت نمود برای کسانی از دست دادند. شهید به ما گفت او هیچ فارم درخواستی را برای حصول مساعدت پولی که از طرف والی تکمیل نکرده است، مقامات افغان تمام پروسه را برای او و سایر قربانیان این حادثه علمناک و بزرگ تنظیم و طی مراحل کرده اند.

دولت افغانستان مساعدت های سریع و بی سابقه خود را به تعداد قربانیان حادثه انتحاری مقابل مسجد ابو الفضل که در دسمبر 2011 واقع شد انجام دادند. صدها نفر روز عاشور (یک روز مقدس برای مسلمانان) را تجلیل می کردند در ششم دسمبر 2011، هنگامیکه دو انتحار کننده بالای مسجد ابو الفضل در کابل حمله کردند.⁹¹ این حادثه المناک پنجاه و هشت کشته و ده ها زخمی بجا گذاشت. مشابه به حادثه حمله هوایی در فراه قربانیان این واقعه نیز شناسائی و مساعدت های مالی در ظرف کمتر از دو ماه از طریق دفتر ریاست جمهوری دریافت نمودند.

در بسیاری از حالاتی که تبلیغات گسترده صورت نگرفته، اشخاص متضرر و یا هم نماینده گان آنها باید پروسه درخواست را خودشان پی گیری کنند. جهت اثبات ادعای شان، درخواست دهنده گان نیاز به گرفتن امضاء در فارم درخواست از چندین اشخاص مسئول که شامل داکتر موظف در شفاخانه که شخص زخمی یا مرده انتقال داده شده بود، یک مقام بلند پایه اداره صحت عامه ولایت، مقام بلند پایه پولیس و مقام بلند پایه استخبارات می باشد.⁹³ مقامات افغان تذکر می دهند که گرفتن امضاء ها بدین جهت است که تضمینی باشد برای دفع ادعاهای غیرواقعی. اسناد صحیه و همچنان گزارشات پولیس و استخبارات از جمله اسناد معتبر میباشد که تصدیق می کند که شخص متقاضی در اثر جنگ کشته یا مجروح شده و عضویت گروه های مسلح مخالف دولت را هم نداشته است. گاهی اگر در شناخت شخص تردید وجود داشته باشد که آیا آن شخص شورشی یا فرد ملکی است، در آنصورت به یک شورا محلی متشکل از یک ملاه و بزرگان قومی اتکا میشود تا شناخت و وضعیت فرد را تعیین کنند.

بعد از بدست آوردن امضاء از مقامات، درخواست کننده فورم درخواست را ضمیمه یک قطعه عکس متضرر نموده و به دفتر والی تسلیم می کند، تا بریاست مستقل ارگان های محل در کابل تسلیم داده شود. بعد از اینکه فورم های درخواست در ریاست مستقل ارگان های محل طی مراحل شد فارم ها به شکل دسته جمعی به اداره امور ریاست جمهوری که مسئول اصلی تنظیم و نظارت از پروسه است تحویل داده میشود. اداره امور فورم های درخواست را بازنگری کرده و بعداً به رئیس جمهور یا معاونین او جهت اخذ امضاء و تصویب تقدیم میکنند. درخواست های که تصویب شدند به وزارت مالیه فرستاده میشوند، که بعداً همراه با تذکر مقدار پاداش به ریاست مالی ولایت (مستوفیت) همراه با مکتوب ریاست جمهوری و ذکر منابع مالی پرداخت بمنظور اعطاء مساعدت پولی ارسال میشود.

مساعدت ها به یکی از دو شکل ذیل پرداخت میشود. آنده افراد ملکی که توسط نیروهای بین المللی متضرر شده اند یا قربانیان حملات سنگین شورشیان که شامل تلفات چشم گیر افراد ملکی باشد، بهر نوع آن مساعدت ها را از طریق هیئت های که توسط والی مربوط رهبری میشوند به دست می آورند.⁹⁵ نماینده گانی از نیروهای امنیت ملی افغانستان و شورای ولایتی هم اغلباً حضور میداشته باشند. افراد دیگر باید پول خود را اداره مالی ولایت دریافت کنند. در اسناد ابتدائیه هیچ نوع شماره تماس از درخواست دهنده گان تقاضا نمی شود، بناءً مقامات ولایتی هیچ نوع راه رسمی تماس با درخواست کننده گان نمی داشته باشند. در هرات، مقامات درخواست دهنده گان مستحق را از طریق نشر نام آنها در رادیو و تلویزیون آگاه میسازند. وقتی پرسیده شد که چرا شماره های تلفون درخواست دهنده گان ثبت نشده، چندین تن از مقامات افغان در پاسخ گفتند که مسئولیت دولت افغانستان نیست که با دریافت کننده گان مساعدت کود 99 تماس بگیرند. مقامات ولایتی افغان تذکر دادند که مسئولیت درخواست دهنده است که کارهای خود را پیگیری کند و از دفتر والی و یا مستوفیت برای معلومات جدید درخواست دهد. هنوز در اینجا موانع غیرضروی سر راه درخواست کننده گانی که قبلاً رنج از دست دادن یا زخمی شدن عزیزی را تحمل میکنند وجود دارد، که در نتیجه یک نا امیدی شدید را بین قربانیان ملکی بوجود می آورد.

درخواست دهنده گانی که از وقایع کم سر و صدای تلفات ملکی متاثر شده اند، مساعدت پولی خود را به نوعی بعد از ملاقات های مکرر با کارمندان دفتر والی به منظور چک کردن وضعیت ادعای خود بدست می آورند. این افراد معمولاً شش ماه تا یک سال برای دریافت وجه کود 99 انتظار می کشند.

صندوق وزارت کار و امور اجتماعی برای شهدا و معلولین

وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین دو صندوق را اداره می کند که به قربانیان جنگ در افغانستان کمک می نماید. این صندوق ها به منظور تهیه مساعدت های مالی طویل المدت و ماهانه به فامیل های شهدا و مجروحین و معلولین است. طوریکه صندوق کود 99 به تازه گی به شکل درست آن ایجاد شد، صندوق های که توسط وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین اداره میشود بار اول در سال 1990 جهت مساعدت به کسانی که در اثر اشغال افغانستان توسط روسیه عزیزان خود را از دست داده یا معلول شده بودند به شمول مجاهدین سابق ایجاد شد.

تمام قربانیان متضرر از طرف های درگیر در جنگ و یا وابسته گان آنها مستحق دریافت مساعدت ها از وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین هستند. کسانی که مساعدت های کود 99 را دریافت نموده اند هم میتوانند به مساعدت های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین درخواست داده و از آن مستفید شوند. وابستگان شهدا 1500 افغانی (30 دالر) در یک ماه از وجهی که برای شهدا اختصاص داده شده دریافت می کنند، که در مجموع 18000 افغانی (350 دالر) در یک سال میشود. گرچه شرط های مهمی در این عرصه وجود دارد. فامیل های که پسر بزرگتر از 16 سال دارند مستحق این مساعدت ها نمی باشند، و فیصدی پرداخت های نقدی کاهش میابد وقتی که پسران 18 ساله شوند و دختران ازدواج کنند.⁹⁹

ضمن اینکه، افراد ملکی که در اثر جنگ معلول یا مجروح شده اند بین 750 افغانی (15 دالر) و 1500 افغانی (30 دالر) ماهانه دریافت می کنند، که به وخامت زخم آنها وابسته است و توسط مقامات ولایتی صحتی تثبیت میشود. افرادی که کاملاً معیوب و معلول باشند 1500 افغانی ماهانه دریافت می کنند، در حالیکه اشخاص با مجروحیت کمتر 750 افغانی ماهانه دریافت می کنند. در اکثر ولایت ها، دفاتر وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین به معیوبین زمینه آموزش های مسلکی، اطاق، تخته، غذای روزانه، و زمینه کاریابی را به آنها مساعد می سازند.

مساعدت ها به وابسته گان شهدا یا خود معلولین به اساس برنامه های ماهوار، ربع وار یا سالانه صورت میگیرد. کمک ها فعلاً به صورت نقد یا چک توزیع میشود، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین فعلاً یک پروسه را آغاز کرده که مساعدت ها مستقیماً به حسابات بانکی آنها انتقال می کند و سبب شفافیت پروسه، از بین بردن موانع و سهولت ها برای مورثین که مجبور هستند سفرهای طولانی برای گرفتن مساعدت ها بپیمایند ایجاد می کند. پول نقد و چک هنوز برای کسانی که حساب بانکی ندارند قابل اجرا است.

اداره کننده گان تذکر میدهند که هدف اولیه این صندوق ها کمک به افراد ملکی است که بسبب از دست دادن نان آور فامیل یا معلولیت دایمی با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می کنند. طبق گفته معین وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین در حدود چهار میلیارد دالر (80 میلیون دالر) به این صندوق در سال 2011 اختصاص داده شده بود.

پروگرام وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین در شکل عملی آن

پروژه های درخواست برای دریافت مساعدت های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین همانند درخواست برای مساعدت های کود 99 است. بعد از خانه پری یک فورم که از دفتر ساحوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین قابل دریافت است، درخواست دهنده گان باید تصدیق صحی داکتر که ادعای او مبنی بر معلولیت یا معیوبیت را تصدیق کند، تصدیق نماینده گی ساحوی وزارت صحت عامه، تصدیق یک مقام بلند پایه پولیس ملی، و تصدیق نماینده امنیت ملی را بدست آورد. همانند طی مراحل مساعدت های کود 99 گرفتن امضاء هر یک از این اشخاص ضروری است، و در بعضی حالات شورا ها حالت صحی شخص و از اینکه یک فرد ملکی است تصدیق و تعیین می کند.

اگر درخواست دهنده وابسته به یک شهید است و ادعای خود را از طرف شهید تسلیم می کند، پس پروژه باید از طریق یک محکمه محلی طی مراحل شود که تعیین می کند کی باید مساعدت پولی شهید را بدست آورد.¹⁰⁴ اگر درخواست دهند از مجروحیت رنج میبرد، پس یک شورای دوکتورین در دفتر ساحوی وزارت صحت عامه و خامت زخم هر فرد را تعیین می کنند که مقدار مساعدت پولی را هم تعیین می کند.

بعد از اینکه پروژه تکمیل شد، درخواست نامه به دفتر ساحوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین تسلیم داده میشود، که بعداً به وزارت در کابل انتقال میشود. مقامات پایتخت فورم های درخواست را مرور کرده و درخواست نامه هاییکه که قبول شده اند را به وزارت مالیه میفرستند، که مسئول فرستادن تائیدی نامه به مستوفیت های ولایتی هستند. وقتی ادعا ها تصدیق شوند، درخواست به ولایات خود بر می گردند و پرداخت های خود را به شکل ماهوار، ربع وار و سالانه اخذ می نمایند. همانند صندوق کود 99 فورم درخواست از مورثین شماره تلفون یا تماس نمی خواهد. که در نتیجه، اغلباً مقامات راه رسمی یا مستقیم برای آگاه ساختن درخواست دهنده گان از تائیدی درخواست آنها ندارند.¹⁰⁵ همچنان به مانند صندوق کود 99 بسیاری از مقامات بدین نظر بودند که این مسئولیت درخواست دهنده گان است که از وضعیت ادعای خود احوال گرفته و آن را پیگیری کنند.

ب. موانع سد راه پروگرام

ابتکار دولت افغانستان برای اعطای کمک های مالی به افراد ملکی متضرر از جنگ ستودنی است. ایجاد پروگرام های که بالای آن بحث شد ترغیب کننده است، این آرزوی دولت افغانستان را برای اعطای مساعدت ها به قربانیان جنگ واضحاً منعکس میسازد. گرچه، تلاش های برای از بین بردن تلفات ملکی هنوز هم کم اهمیت جلوه داده البته بواسطه موانع و مشکلاتی که در طرح و تطبیق این پروگرام وجود دارد. اکثر شهروندانی که از آنها مصاحبه گرفته شده هیچ نوع کمکی از دولت افغانستان دریافت نکرده اند. بعضی از این افراد فورم های درخواست خانه پری کرده اند اما تا به حال هیچ جوابی دریافت ننموده اند. بعضی دیگر به دلیل جنجال های طی مراحل فورم، سرگردانی ها موجود و ضیاع وقت به این کمک های پولی هیچ درخواست نداده اند. بعضی اشخاص دیگر درخواست نداده اند بدلیل ترس از ارتباط با طالبان یا عدم آگاهی از موجودیت میکانیزم چنین کمک ها.

عده از افرادی که مساعدت های پولی دریافت نموده اند راضی بودند. مشکلاتی که به گوش مرکز رسیده و باعث ایجاد ناامیدی بین مردم شده حاکی از مشکلات طی مراحل فورم درخواست، ناچیز بودن مساعدت ها، تاخیر زیاد در توزیع وجوه، و یا اخاذی ها موجود در جریان پروسه درخواست است.

در این فصل موانعی را که سر راه حمایه بوقت و موثر افراد ملکی است با جزئیات تشریح می کنیم. البته، مفدیت مساعدت های صندوق کود 99 و پروگرام های مساعدتی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و کاستی های موجود را به بحث خواهیم گرفت. موضوعاتی که بالاتر از یک مشکل در میکانیزم موجود وجود دارند و قابل بحث هستند.

قربانی شدن مردم از طرف نیروهای امنیتی افغان

شناخت و حمایه های مالی محدود قربانیان ملکی جنگ که توسط نیروهای امنیتی افغان متضرر شده اند از برجسته ترین موانع در جوابگویی افغان ها به تلفات ملکی می باشد. در مصاحبه که اکثریت افراد ملکی داشتیم بیشترین قربانیان ملکی که توسط نیروهای امنیتی افغان صدمه دیده اند هیچ نوع همکاری پولی یا مالی همراه آنها صورت نگرفته است. بر علاوه، در مصاحبه که با افراد ملکی، مقامات ولایتی و کارمندان سازمان حقوق بشر داشتیم آنها این مشکل را قبول کردند. در گزارش های که توسط مرکز حمایه از قربانیان جنگ، سازمان حقوق بشر افغانستان و سایر سازمان های حقوق بشر به نشر رسیده بود. در سال های 2008، 2009 و 2011 گزارش ها حاکی از آن بود که مساعدت های پولی به ندرت قربانیان ملکی که توسط نیروهای افغان متضرر شده اند صورت می گیرد.¹⁰⁶ دفتر ریاست جمهوری به پیشنهادی که از طرف مرکز حمایت از قربانیان ملکی جنگ ارسال شده بود کدام پاسخ و یا نظری نداشته اند.¹⁰⁷

به دسترس قرار نگرفتن مساعدت ها به قربان ملکی متضرر از نیروهای افغان دلایل مختلف دارد که شامل:

- عدم موجودیت یک پروسیجر شفاف از طرف نیروهای امنیتی افغان جهت پاسخ دهی و اعطای مساعدت های پولی به قربانیان ملکی که به حسب اتفاق به آنها در جریان جنگ های محاربوی صدمه وارد میشود.
- ترس افراد ملکی از اعمال تلافی جویانه نیروهای امنیتی افغان و گزارش ندادن وقایع
- عدم تمایل مقامات افغان به اعتراف اینکه تلفات ملکی توسط نیروهای افغان صورت میگیرد.

این حقیقت که آیساف هم امکان دارد مساعدت های پولی را به افراد ملکی که از اثر عملیات های مشترک متضرر میشوند بپردازد هم باید در بعضی حالات واضح گردد. تحقیق قبلی مرکز نشان دهنده این بود که جبران خساره دوطرفه صورت گرفته نمی تواند، مثلاً دولت افغانستان هیچ پرداختی به قربانیان ملکی نمی کنند اگر آیساف قبلاً این کار را کرده باشد. شکل بالعکس آن هم واقعیت دارد.¹⁰⁸ مقامات افغان و آیساف ممکن معلومات در باره وقایع تلفات ملکی را با یک دیگر شریک سازند.

بهرحال، برسمیت نشناختن و اعطای کمک های محدود به افراد ملکی که توسط نیروهای افغان صدمه می بینند هم یک خلاء بزرگ را ایجاد کرده است، مخصوص حالاً و قتیکه تمام مقامات که با آنها مصاحبه صورت گرفته بدین عقیده هستند که کمک کردن به قربانیان جنگ از جمله مسئولیت های دولت افغانستان بشمار میرود. حالاً، حال مسئولیت بزرگتر میشود وقتی که نیروهای افغان مسئول تلفات ملکی حساب شوند. قدم های جدی مبنی بر حصول اطمینان از دریافت کمک ها توسط قربانیان باید برداشته شود. برعلاوه، اعتراف به اینکه مشکل وجود دارد، برداشت قدم های مثبت مبنی بر انکشاف رهبری بصورت تدریجی که به نیروهای امنیتی افغان چگونه گی پاسخ گوئی به صدمات ملکی که توسط آنها بوجود می آید را بیاموزاند. وجود این چنین یک رهنمود که نیروهای امنیتی افغان را هدایت بدهد تا قربانیان ملکی را که در اثر عملیات آنها متضرر میشوند به پروگرام های مساعدتی موجود راجع کنند. نظر به علاقه ضعیف موجود در راپور دهی و پروسیجرهای فعلی، مقامات نیروهای امنیتی افغان باید یک ستراتیژی را انکشاف دهند که مطمئن شوند رهنمود جدید پیروی و تطبیق میشود.

موانع بیروکراتیک (از اثر طی مراحل رسمی)

بیروکراسی و مراحل طویل اداری در داخل دولت افغانستان یکی از موانع بزرگ سد راه درخواستی ها برای دریافت کمک های میباشد. طوریکه اکثریت قربانیان ملکی با پروسه رسمی درخواست برای دریافت کمک ها نا آشنا بوده و آنرا منحیث یک پروسه ضیاع وقت میدانند. محمد یکی از افراد ملکی مقیم هرات میباشد، وی میگوید که وی حدوداً یک ماه است که برای دریافت کمک های فرمان ۹۹ رییس جمهور، برای اخذ امضا ها سرگردان میگردد. در اپریل ۲۰۱۲ پنج تن از اعضای فامیل محمد طی حمله انتحاری در ولسوالی گذره ولایت هرات که هدف انتحار کننده تعمیر ولسوالی بود، مجروح گردیدند. فامیل وی در نزدیکی تعمیر ولسوالی منتظر اخذ کارت های هویت خویش بودند که مورد حمله قرار گرفتند. بعد از واقعه محمد تلاش نمود تا با استفاده از فرمان ۹۹ رییس جمهور، کمک نقدی اخذ نماید. اما از اثر بی توجهی در تکمیل ساختن اوراق درخواستی وی، محمد از روند اخذ کمک کاملاً به ستوه آمده است. طوریکه میگوید: « حدوداً یک ماه میشود که من هیچ کار دیگری انجام نمیدهم. اخذ امضاهای مسئولین کار

خیلی دشواریست. هیچ کس به شکایات ما گوش نمیدهد.» علاوه‌بر محمد گفت که چندین تن از مقامات مسؤل در بدل امضا از وی تقاضای رشوه نمودند.

طویل بودن پروسه درخواست کمک ها، حتی باعث گردیده است تا تعداد زیادی از قربانیان ملکی جنگ از درخواست کمک صرف نظر نمایند. یک مرد ۷۰ ساله در رابطه به پروسه درخواست کمک از طریق کود ۹۹ چنین میگوید: «پروسه مالی خیلی پیچیده و جنجال برانگیز است. آدم باید از این شعبه به آن شعبه سرگردان بگردد... من توان این را ندارم که در میان این شعبات بگردم.» این مرد در سال ۲۰۰۹ در یکی از قریه جات ولایت قندهار دو مرمی در پایش از طرف نیروهای بین المللی اصابت کرده است. این مرد میگوید که شخصی وی را بعد از حادثه به شفاخانه برده و مورد معالجه قرار داد. گرچه هیچگونه مساعدت نقدی از طرف نیروهای بین المللی برای این مرد انجام نیافته است، اما پروسه طویل و ناکارای درخواست کمک از دولت افغانستان باعث گردیده است تا این مرد از درخواست کمک از دولت صرف نظر نماید.

تعدادی از مقامات مسؤل از مشکلات قربانیان ملکی در جریان درخواست کمک ها آگاه میباشند. طوریکه یکی از مسؤلین چین گفت: «تعدادی از درخواست کنندگان برایم میگویند که اگر میدانستند که پروسه درخواست تا این حد مشکل و دسرساز میباشد، آنان هیچگاهی برای دریافت مساعدت ها درخواست نمیکردند.» یکی دیگر از مقامات دولت افغان علی رغم اینکه میپذیرد که پروسه دریافت کمک ها خیلی دشوار و طویل است اما معتقد است که این پروسه باعث میگردد از ادعاهای بی اساس جهت دریافت کمک ها جلوگیری شود.

علاوتاً عده ایی از مصاحبه شوندهگان نشان دادند که عدم فعال بودن دولت برای شناسایی و رسیدگی به آنان مأیوس گردیده اند. طوریکه در صورت وقوع حوادث، قربانیان باید خود دست به کار گردیده و درخواست کمک مینمودند. طوریکه یکی از این قربانیان ملکی چنین میگوید: «دولت باید خودش این واقعات را پیگیری نموده و دست به کار شود. دولت نباید منتظر بماند تا ما به نزد آنان بیاییم.» تعداد زیادی از قربانیان ملکی ایکه از دولت توقع مساعدت را داشته اند، از اثر عدم کارایی و رسیدگی دولت به نیازمندی های آنان، این قربانیان ملکی مأیوس گردیده و از عملکرد دولت خشمگین نیز میباشند.

براه اندازی یک پروسه تحقیقات عملی برای شناسایی قربانیان ملکی ناشی از جنگ و کمک آنان برای سهولت در پروسه درخواست کمک ها میتواند که از معضله مذکور بکاهد. اما این واضح است که تیم ها تحقیقاتی نمیتوانند که تمام قربانیان ملکی جنگ را شناسایی نموده و به مشکلات آنان رسیدگی نمایند. بدین ترتیب، پروسه درخواست برای دریافت کمک ها باید هرچه زود تر این روند ساده، آسان، شفاف و به آسانی قابل دسترس ساخته شود، تا باشد که قربانیان ملکی به آسانی بتوانند برای دریافت این کمک ها درخواست نمایند.

هماهنگی ضعیف

پروسه طاقت فرسای طی مراحل کردن درخواست نامه به سبب مشکلات ترکیب شده از هماهنگی ضعیف است. مقامات افغان که پرداخت های کود 99 را اجرا می کنند و مسئولیت تنظیم پروگرام های مساعدتی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین را

به عهده دارند تا به حال هیچ نوع وسیله ارتباطی رسمی جهت هماهنگ ساختن ارتباطات شان با قربانیان ملکی ایجاد نکرده اند. درخواست کننده ها باید پروسه وقت گیر درخواست دهی را در هر پروگرام سپری کنند و شاید به یک پروگرام درخواست بدهند بدون اینکه بفهمند دیگری هم وجود دارد.

هماهنگی قوی به دلایل متعدد منطقی و پرمفهوم است. پرداخت های کود 99 و مساعدت های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین هر دو به منظور رفع ضرورت افراد ملکی قربانیان جنگ است، البته به روش های متفاوت. چنانچه تذکر داده شد، پرداخت های کود 99 پرداخت های انفرادی است که جهت کمک به رفع احتیاجات ضروری قربانیان مختص میشود، اما وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین مساعدت های طویل المدت را ارائه می کند. در بعضی ولایت ها، دفتر والی و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین ارزش یکجا ساختن تلاش های خود دانسته اند، و بالنتیجه یک هماهنگی پلان نشده ایجاد کرده اند. به گونه مثال در میدان وردگ درخواست دهنده گان به کود 99 همچنان به دفتر ولایتی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین راجع شده اند.¹¹⁴

در سال 2009، این مرکز ضرورت به یک دیتابیس مرکزی ملی را متذکر شد که مقامات اداره کننده این پرداخت ها را قادر بسازد تا شناسائی و هماهنگی بهتری جهت حمایه از قربانیان ملکی جنگ داشته باشند.¹¹⁵ چنین یک دیتابیس تا اکنون هیچ وجود ندارد. بر علاوه، پرداخت های پولی با میکانیزم تحقیقات نیروهای امنیت ملی افغان سازگار نیست، و پاسخ همه جانبه و فراگیر به قربانیان ملکی جنگ که بالاثتر عملکرد اردوی متضرر شده اند بوده نمی تواند.

روی کار آمدن اصلاحاتی چند میتواند باعث تقویت هماهنگی شده که باعث افزایش کمک ها به افراد ملکی از اثر جنگ متضرر شده اند میشود. ایجاد پروسه درخواست نامه منفرد توسط افراد ملکی تا بتوانند به هر دو مساعدت صندوق کود 99 و مساعدت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین درخواست بدهند، که باعث ایجاد سهولت جهت استفاده از مزیت هر دو پروگرام برای قربانیان ملکی میشود. ایجاد یک تیم افغانی کاهش تلفات ملکی جهت نظارت از تلفات ملکی نیز می تواند کمک چشم گیری در تقویه این هماهنگی ها کند، و اطمینان حاصل شود که تحقیقات انجام شده پرداخت های پولی را در پی دارد.¹¹⁶

سرانجام دولت افغانستان باید بالای ایجاد یک صندوق منفرد یا یک پروگرام که هر دو مساعدت های عاجل و ماهانه را دربر داشته باشد توجه جدی نماید. همانطور که وزرات جداگانه به منظور کمک به قربانیان جنگ ایجاد شد، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین می تواند مناسب ترین محل برای یکجا شدن پروگرام های مساعدت یا جبران خساره برای افراد ملکی باشد. اگر چه قبل از اینکه چنین اصلاحاتی صورت بگیرد ظرفیت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین باید بالا برده شود تا بتواند چنین یک پروگرامی را به شکل موثر آن اداره و تنظیم نماید. عملاً، مرکز دریافت که پرداخت صندوق کود 99 بیشتر به افراد ملکی رسیده و به مراتب سریعتر از مساعدت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین اجرا میشود.¹¹⁷ از اینرو بنیان نهادن چنین اصلاحاتی بدون بلند بردن ظرفیت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین می تواند باعث مختل شدن انتقال کمک ها به مردمی که ضرورت دارند و محتاج هستند شود.

تاخیر در پرداخت ها

اگر قبول شود که مدت زمان اجرای یک درخواست نامه به درخواست دهنده و سماجت او وابسته است، بسیاری از مقامات مشمول در اداره و توزیع مساعدت های پولی بدین باور هستند که وجوه پولی در ظرف سه ماه بعد از دریافت درخواست نامه یک فرد اجرا میشود. یک سخنگوی در دفتر ریاست جمهوری به مرکز گفت که پرداخت های کود 99 در ظرف دو هفته بعد از تکمیل درخواست به افراد انتقال داده میشود.¹¹⁸

در حقیقت اکثر دریافت کننده گان این مساعدت ها که با آنها مصاحبه شده قبل از دریافت کمک های بین شش تا یک سال انتظار کشیده اند. البته استثنائات همان کسانی هستند که در حادثات پر سر و صدا که سبب تلفات سنگین ملکی شده صدمه دیده اند و اغلباً در ظرف یک تا دو ماه از مساعدت ها مستفید شده اند.¹¹⁹ موجودیت بیوکراسی (کاغذ پرانی) در پروسه درخواست دهی یک دلیل عمده انتظار کشیدن های طولانی، عدم آگاهی درست مردم از چگونگی طی مراحل پروسه، و همچنان عدم موجودیت یک وسیله رسمی ارتباطی با درخواست دهنده گان است که به افزایش مشکلات و چالش ها کمک می کند. همانند سایر وزارت های ملکی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین نیز به مشکلات جهت گرفتن تخصیص برای پرداخت هایش از وزارت مالیه مواجه است که یک اثر منفی بالای پروگرام دارد.¹²⁰ البته آن مشکل تأثیری بالای دفتر رئیس جمهور و کود 99 ندارد.

در بسیاری از حالاتف درخواست دهنده هیچ وقت کمک یا جوابی از طرف دولت افغانستان بعد از تسلیمی درخواست شان دریافت نمی کنند. عدم موفقیت به دستیابی به مساعدت های پولی می تواند دلایل مختلفی چون فساد اداری، مفقودی درخواست نامه در مسیر راه، مستحق نبودن درخواست دهنده و غیره داشته باشد. حاجی یک مرد جوان از ولایت وردگ، برای دریافت کمک از صندوق کود 99 درخواست در اولای 2011 درخواست داده بود، بعد از اینکه پدرش که عضو شورای ولایتی آن ولایت بود توسط طالبان کشته شد. در تمام سال 2011 او تقاضای معلومات جدید را از دفتر والی میکرد، تا بالاخره به کابل سفر کرد و با مقامات ریاست مستقل ارگان های محل که یک نقش عمده را در اجرای درخواست ها جهت اخذ مساعدت پولی از کود 99 بازی می کند ملاقات نمود. طبق گفته حاجی، یک مقام در ریاست مستقل ارگان های محل به او گفته "پولی که به تو می آمد گم شده".¹²¹ به او هیچ دلیل موجه دیگری مبنی بر اینکه چرا به بخاطر تلفاتش به او مساعدت صورت نمیگیرد بیان نشده است.

برای بسیاری از مصاحبه دهنده گان ناکامی دولت افغانستان در پاسخ گویی بموقع به مطالبه آنها تأثیرات وخیم کننده داشته است. نجم الله یک دوکاندار در هرات، از زخم بطنی شدید و سوختگی کمر رنج میبرد، هنگامیکه یک بمب تیم ساختمانی ولایتی قرارگاه ناتو را هدف قرار داده بود او حین عبور از پهلوی قرارگاه آنها بود که بمب انفجار کرد. تیم صحنی به معالجه او پرداختند و سه درجن چره های گلوله انفجاری را از بدن او کشیدن که برایش 300 هزار افغانی (5800 دالر) مصرف بار آورد. جهت کمک به کاهش مصارف خود، مدت اندکی بعد از حادثه در می 2011 او به صندوق کود 99 جهت حصول مساعدت های نقدی درخواست داد مگر تا می 2012 هیچ گونه کمک دریافت ننموده است. وقتی در مورد شناخت او از حکومت افغانستان پرسیده شد، او با نا امیدی گفت، "ما دولت نداریم. یک دولت ضعیف داریم. هیچ کاری برای ما انجام نمیدهد."¹²²

حمید هم یک قصه مشابه دارد. بعد از اینکه پدرش در جریان جنگ بین نیروی های مشترک افغان و آیساف در مقابل نیروهای مسلح مخالف دولت که در ولسوالی گورتچه ولایت کندز در نومبر 2011 صورت گرفت کشته شد، او برای دریافت مساعدت از پروگرام کود 99 درخواست داشت. نه ماه بعد، او میگوید: "هیچ کسی به درخواست من جواب نداده است تابحال. شما درخواست نامه مرا در دفتر ولایتی پیدا کرده می توانید. حالا برایم گرفتن جبران خساره مسخره معلوم میشود."¹²³ یک شخص ملکی مشابه دیگر که بخاطر عدم دریافت کمک بموقع ناامید شده بود ذکر کرد، "دولت و طالبان یک رقم هستند. دولت به ما کمک نمی کند و طالبان ما را صدمه میزنند."¹²⁴ انتظار بیش از حد و ناکامی حکومت افغانستان جهت پاسخگویی به درخواست ها از منابع نا امیدی، قهر و سرانجام از بین بردن اعتماد مردم بالای دولت شان میباشد.

تمرکز قدرت و کنترل بالای تمام پرداخت های پولی افغانستان از جمله دلایل عمده تاخیر در انتقال پرداخت ها است. در حالات پرداخت از کود 99، بسیاری از والی ها و کارمندان شان یاد آور شدند که درخواست نامه ها در ظرف یک هفته تکمیل شده و به کابل فرستاده میشود.¹²⁵ اما بیشترین مصرف وقت در پروسه، زمانی صورت میگیرد که درخواست ها برای دریافت مساعدت از هر یک از دو پروگرام مساعدتی صندوق کود 99 یا صندوق وزارت کار، امور اجتماعی برای شهدا و معلولین به کابل فرستاده میشود. مسئولیت و آگزاری صلاحیت پرداخت ها به کمیته بررسی ولایتی می تواند به کاهش زمان طولانی پروسه درخواست دهی کمک نماید.¹²⁶ اگر چنین اصلاحاتی به صورت درست آن انجام شود افراد ملکی پرداخت های خود را در ظرف روزها یا هفته ها به عوض ماه ها دریافت خواهند کرد.

کمک های ناکافی

اکثر مقامات افغانی و اشخاص ملکی که با ایشان مصاحبه شده است، بصورت مشابهی گفته اند که مقدار کمکهای انجام شده از طریق حساب فرمان 99 و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین ناکافی بوده و نتوانسته که تقاضای کسانی را که در اثر حوادث جنگ متضرر گردیده اند؛ برآورده سازد. یکی از افراد ملکی توسط نیروهای آیساف مجروح شده ذکر نموده که، " دولت افغانستان به من کمک نمود، و مقام ولایت نیز همردی شان را ابراز نمود... اما کمک دولت کافی نیست."²¹ برای بعضی ها مقدار پول پرداخت شده مایه خشم و ناامیدی بود. در مورد مقدار پول داده شده از حساب فرمان 99 یکی از افراد ملکی تذکر داد که، "قیمت یک فردافغان دوهزار دالر است. این مایه شرم است."²²

اکثر مصاحبه ها مشخص میسازند که پرداخت فرمان 99 به مشکل توانسته که هزینه های طبی ویا مراسم تدفین را بسنده باشد. حمید مرد جوانیست که کاکایش در دیسیمبر 2011 در حمله انتحاری که در مسجد ابوالفضل در کابل رخ داد؛ کشته شده وی فعلاً مسئولیت فامیل کاکایش را بدوش گرفته است. وی به "مرکز حمایت غیر نظامیان در منازعه" گفت که وی مبلغ 100000 افغانی

²¹ مصاحبه با بصیر، شماره مصاحبه 75، شهر قندهار، ولایت قندهار. 23 ماه می سال 2012
²² مصاحبه با چندین قربانی حمله بر مسجد ابوفضل در سال 2011، مصاحبه شماره 34، کابل، ولایت کابل، 30 جولای 2012

(معادل 2000 دالر امریکائی) از طریق پروگرام فرمان 99 بدست آورده است "صرف مخارج تشیع جنازه کاکا ام را به مشکل بسنده شد،" وی با باری از مشکلات همراه با اعضای اضافی فامیلش تنها گذاشته شده است.²³

حتی اگر درخواست کننده گان از هر دو پروگرام استفاده نمایند، طوریکه اگر آنها از پرداخت یکباره 100000 افغانی (معادل 2000 دالر امریکائی) و کمک های اضافی 1500 افغانی (معادل 30 دالر امریکائی) در ماه نیز استفاده نمایند، برای کسانی که نان آور شانرا از دست داده اند؛ کافی نخواهد بود. طوریکه یک مادر دو طفل تذکر داد، "مقدار پولی را که بدست میآورد کافی نبوده... اطفالش کسی را ندارند که حمایت شان نماید."²⁴ وی بعد از کشته شدن شوهرش که یکی از مقامات محلی بوده و توسط یک حمله ئی که توسط گروه های مسلح راه اندازی شده و در مقابل دفترش آماج قرار گرفته بود، مبلغ 100000 افغانی (معادل 2000 دالر امریکائی) را از حساب فرمان 99 بدست آورده است

موانع ایجاد شده نظر به عنعنات در مقابل کار نمودن خانم ها، بخصوص در مناطق اطراف، اقارب را مجبور میسازد تا باید از بیوه ها اطفال مواظبت نمایند، و این فشار اقتصادی را که فامیل ها قبلاً با آن دست و پنجه نرم میکردند را متناسباً افزایش میدهد. علی که در شهر هرات معلم است، برادرش در یک حمله انتحاری کشته شده و وی خانم برادر و شش طفلش را گرفته است. حالا وی در تلاش است تا 14 تن را حمایت نماید در حالیکه درآمد ماهانه اش 5000 افغانی (معادل 100 دالر امریکائی) است. وی به این مرکز گفت "من نمیدانم که چطور از عهده دو فامیل برخوردارم آمد،"²⁵ در اثنای مصاحبه، علی هنوز هم منتظر مساعدت های حساب فرمان 99 بود، ولی تذکر داد که 10000 افغانی برای تکمیل نمودن ضروریات فامیلش ناکافی خواهد بود.

با مصاحبه ئی که با بعضی از مقامات افغان داشتیم دریافتیم که آنها با ناکافی بودن کمک های ماهانه موافق نیستند، آنها تذکر دادند که پول پرداخت شده برای جبران نمودن مکمل هر آنچه که افراد ملکی از دست میدهند نیست. یکی از والیان در رابطه به مساعدت هائی که در حساب فرمان 99 تخصیص داده شده، گفت، "این پول قیمت زنده گی هیچ کسی نیست، اما این یک ابراز تصلیت از جانب رئیس جمهور است."²⁶ اکثر این اشخاصیکه با ایشان مصاحبه شده؛ پیشنهاد افزایش پول قابل پرداخت را از طرف پروگرام های کمک کننده افغان نموده اند.

مرکز حمایت افراد ملکی در منازعه؛ به مراتب از مقامات دولتی و افراد ملکی در باره مقدار مساعدت هائیکه باید از طرف پروگرامهای کمک کننده افغان مهیاء شود؛ بخصوص حساب فرمان 99، پرسیده است. بعضی شان نخواستند ارقام ارائه نمایند. بعضی دیگر به یک افزایش نسبتاً کمی را در پرداخت های حساب فرمان 99، یعنی چیزی را دربین 200000 افغانی (معادل 3900 دالر امریکائی) و 500000 افغانی (معادل 9500 دالر امریکائی) اشاره داشتند تا باشد که در جبران به کشته شدن یک شخص پرداخته شود. با چندین افراد ملکی که مصاحبه شده؛ ارقام بلندتر از 500000 افغانی را شرم آور غیر قابل قبول دانسته اند. این نشان میدهد که وقتیکه یک اشاره معنی دار کمک برای غیرنظامیان مهم است، این چنین پیشنهادات بیشتر از پول ارزش دارند.

²³ Ibid ، حمید

²⁴ مصاحبه با فوزیه، شماره مصاحبه 25، شهر کابل، ولایت کابل، 10 آپریل 2012

²⁵ مصاحبه با علی، شماره مصاحبه 54، شهر هرات، ولایت هرات، 16 می 2012

²⁶ مصاحبه با احمدالله علیزی، والی، شماره مصاحبه 20، شهر کابل، ولایت کابل، 7 آپریل 2012

تعداد دیگری از کسانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفت خواهان اشکال دیگر کمک به فراتر از مساعدتهای ماهانه بودند. وقتی از یک شخصی که در انفجار انتحاری معلول گردیده بود پرسیده شد که چی نوع کمک را میپسندد؛ وی گفت، "من از دولت میخواهم تا برایم در پیدا نمودن کار کمک نماید زیرا من فعلاً معلول استم نمیتوانم کارهای فزینگی را انجام دهم. اگر آنها مرا در یافتن کار یاری نمایند، بعداً من قادر خواهم بود که تا زنده گی خوبی برای خود بسازم." 27 اکثر افرادیکه مجروح یا معلول شده اند؛ خواهان آموزش مهارتها یا کمک در دریافت شغل بوده اند تا بتوانند آنان را در راستای یافتن کار با درست و نفقه فامیل شان کمک کرده باشد.

هیچ مبلغ پولی نمیتواند جایگزین عزیزان ما گردد، همچنان دولت افغانستان نمیتواند که کاملاً ارزش مالی یک شخص را جبران کند. تقسیماتی که در جدول کمکهای خارجی برای افغانستان توضیح گردیده، 28 همچنان این نیز بعید است که حکومت افغانستان بتواند منابع مشخصی را جهت افزایش سطح پرداخت پولی؛ دریابد. اما یکتعداد تعدیلات میتواند که مؤثریت پروگرامهای امدادی را اعظمی ساخته، ضروریات را هدف قرار داده و مهارتهای آموزشی و فرصت های کارایی را تقویت ببخشد

نخست، طوریکه تذکر بعمل آمد، هماهنگ سازی بهتر پرداخت های فرمان 99 و پروگرام مساعدت های وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین ضروری است. ثانیاً، یک چهار چوکات مدرج در رابطه به پروگرام مساعدت های وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین بنا نهاده شود. تحت چنین یک رویکرد، پراخت ماهانه ئی که بواسطه وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین انجام خواهد گردید؛ توسط تعداد اعضای فامیل و/یا مصارف ماهانه محاسبه شده و باید مطمئن شده که مساعدت های مذکور ضرورتهای اولیه را مورد هدف قرار دهد. اگر در زمینه بهبودی حاصل نگردید (تعریف بالا را مطالعه نمایند)، اصلاح آن منحصی اشد ضرورت در راستای تأمین و توزین مساعدت ها برای غیر نظامیانیکه در طی منازعات در افغانستان متضرر گردیده اند، لازمی خواهد بود. این مفکوره مورد حمایت معاون وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین قرار گرفته است. 29 برای پیشبرد این امر، ضروری است تا پارلمان افغانستان این اصلاحات را تصویب نموده و منابع مالی بیشتری را به آن تخصیص دهد.

بلاخره، میتوان گامهایی را در راستای تقویة پروگرامهای آموزش مهارتهای شغلی برداشت. در بین اشخاص ملکی که در طی منازعات متضرر گردیده اند، تقاضای شدیدی جهت راه اندازی چنین آموزشها موجود بود، بخصوص آن عده مردانیکه از معیوبیت ها و یا مجروحیت های شدیدی که آنها را از انجام وظائف فزینگی باز میدارد، رنج میبردند. آموزش مهارتها همچنان میتواند

27 مصاحبه با عبدل، شماره مصاحبه 121، مهترلام، ولایت لغمان، 18 می 2012

28 نظر به اظهارات بانک جهانی، افغانستان شاید در بین سالیان 2022/2021 در بخش پروژوی مالی خویش با 25 فیصد خلاء در تولیدات ناخالص داخلی مواجه گردد، حتی این مشکل میتواند در سالهای متعاقب آن بیشتر گردد" یکی از اسباب آنرا کاهش مساعدهای خارجی دانسته اند. لینک ذیل را که حاوی موضوعی تحت عنوان، "افغانستان در حال انتقال: چشم انداز بعد از 2014"، 17، بانک جهانی، می 2012، است بخوانید

<http://siteresources.worldbank.org/AFGHANISTANEXTN/Resources/305984-1297184305854/AFTransition.pdf> . در نوشته ای که در مجله سیاست خارجی توسط یک ژورنالیستی بنام ماتیو ایکینز به نشر رسیده و در آن تذکر بعمل آمده است که، "مصارف بین المللی فعلاً جزء عمده اقتصاد افغانستان را میسازد و قرار گزارش بانک جهانی این کمک ها افغانستان را یک دولت متکی به کمک ممالک دیگر تبدیل ساخته است. بطور مثال در سال 2010 افغانستان مبلغ 15.5 میلیارد دالر را در بخش سرمایه انکشافی بدست آورده است. که این مبلغ مساوی به تمام تولیدات ناخالص داخلی (GDP) آن میباشد. و در بین سالهای 2010 الی 2011 مصارف عمومی این کشور 9.4 میلیارد دالر بوده در حالیکه درآمد آن 1.65 میلیارد دالر بوده است، بناءً در صورتیکه جامعه بین المللی به حضورش در 2014 پایان دهد، این کشور در موضوعات مالی اش به مشکلات شدیدی مواجه خواهد گردید." گزارش Matthieu Aikins را در تحت عنوان "دشواریهای مالی در افغانستان" را در بحث سیاست مالی آن مطالعه نمایند که در 17 اکتوبر 2012 به نشر رسیده و در صفحه انترنتی ذیل موجود است.

29 مصاحبه با واصل نور مهمند، معاون MoLSAMD، مصاحبه شماره 162، شهر کابل، ولایت کابل، 6 اگست 2012.

خانمهای بیوه را توائی ببخشد. قرار گفته معاون وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، این وزارت در حال حاضر 22 انستیتوت آموزشهای پیشه وری را در سراسر کشور به راه انداخته که هر شش ماه بعد به تعداد بیش از بیست هزار تن از افراد ملکی افغان را آموزش میدهند³⁰. ده فیصد از پست های کاری در این پریگرام به اشخاصی ملکی اختصاص یافته که در اثر منازعات متضرر گردیده اند³¹. حالا مسئولین وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین میپذیرند که پروگرام آموزشی ایشان در خور آنچه که در تقاضای مارکیتهای محلی میباشد؛ نیست³². به همین دلیل است که اشخاصیکه ازین پروگرام فارغ گردیده اند، نتوانسته اند که کار مناسبی را بدست آورند. در ضمن نظر به میزان شدید فقر و بیکاری در بین مردم؛ تقاضا برای این چنین پروگرامهای آموزشی بلند بوده که این وزارت نمیتواند این تقاضا را در اکثر موارد جوابگو باشد.

وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین باید به منظور دوام این پروگرامهای آموزشی؛ دست به دامان مؤسسات غیر وابسته خارجی گردد. مطالعاتی را در مورد اینکه آیا نتایج آموزش شان مطابق خواست مارکیت است یا نه انجام دهد و همچنان ظرفیت اقتصادی موسساتیکه در مجاورت این انستتوت قرار دارند؛ در نظر گرفته شود. پارلمان نیز باید بودیجه ای را در خدمت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین قرار دهد؛ تا این وزارت بتواند مشاورین خارجی را جهت پیشبرد امور این پروگرام بکار گیرد.

موانع دسترسی

دسترسی محدود و یا اندک دولت افغانستان در مناطق که توسط گروه های مخالفین مسلح کنترل میشوند مشکل مهم را برای رسیده گی و توزیع پرداخت های پولی مطرح می سازد. تعداد زیاد کسانی که با ایشان مصاحبه صورت گرفته از مناطق که تحت کنترل گروه های مسلح است ملاحظه کرده اند که دولت افغانستان قادر به دسترسی به قریه و ولسوالی خود نبوده است. همچنان تعداد زیاد افراد ملکی بدون خطر نمی دانند که با مامورین دولت حرف بزنند و یا به مرکز ولایات سفر کنند تا درخواست کار را شروع کنند بدون ترس از تلف شدن توسط گروه های مسلح. یکی از افراد ملکی که برادرش در جریان عملیات مشترک نیروهای آیساف و امنیت ملی در سال 2010 در یکی از قریه های دوردست ولایت ارزگان کشته شده بود، توضیح کرد: "قریه ما توسط طالبان مسدود شده است. ما نمی توانیم که به مرکز برویم و از آیساف یا والی درخواست جبران کنیم".

بسیاری از مامورین ولایتی اعتراف کرده اند که عدم دسترسی شان به مناطق که توسط گروه های مسلح کنترل میشود توانایی شان را برای جواب دادن به صدمه به افراد ملکی محدود ساخته است. همان اندازه که نیروهای بین المللی کم شوند، دسترسی به این قریه

³⁰ مصاحبه با واصل نور؛ معاون وزارت (MoLSAMD)، شماره مصاحبه 181، شهر کابل، ولایت کابل، 7 نوامبر 2012.

مهارتهائیکه توسط این انستیتوت آموزش داده میشوند قرار ذیل اند: تربیه مواشی، تخنیک موتر، پرورش زنبور عسل، قالبین بافی، نجاری، بنائی، رسامی، خیاطی، و دیگر پیشه وری ها. در باره مکان این انستتوتها در نوامبر 2012 ازین وزارت معلومات خواسته شد، ولی جوابی دریافت نگردید.

³¹ Ibid

³² Ibid، همچنان این موضوع در گزارش اخیری که توسط AIHRC به نشر رسیده، ابراز شده. "گزارش ششم: وضعیت اقتصادی و حقوق اجتماعی در افغانستان"، که بواسطه AIHRC در 2012 به نشر رسیده را مطالعه نمایند.

ها میتواند مشکل بزرگتر برای دولت افغانستان شود. کارکردن از طریق شورا های محلی و انجمن های صلح، طوریکه در بعضی جاها فعلاً استفاده میشود، برای شناسایی و مساعدت افراد ملکی آسیب دیده شاید یکی از راه های کم کردن دسترسی اندک باشد.

باوجود مشکلات دسترسی اندک، تعداد زیاد افراد ملکی که با ایشان مصاحبه شده از کمک وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین آگاه نبودند، حتی یک گروپ کوچک افراد که همراهی شان مصاحبه صورت گرفت در باره هیچکدام این پروسه های کمک چیزی نشنیده بودند. مرکز این موضوع را مخصوصاً در مورد افراد ملکی که با آنها مصاحبه صورت گرفته از مناطق دوردست افغانستان درست می داند. رئیس این پروسه، بخصوص آنان که نظارت بر پرداخت های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین می کنند، باید اسلوب های را انکشاف بدهند تا بیشتر در بسیاری از جاها این سرمایه ها را عامه بسازند، به ضمیمه مفاد و جریان برای تعقیب ادعا.

فساد اداری و اخادی

ما همچنان در باره چندین نوع فساد اداری و زیاده ستانی شنیده ایم از کود 99 و پروگرام های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین.

چندین تن درخواست کننده گان به ما گفت که بعضی از مامورین بخشش (رشوه) میخوانند قبل از اینکه ورقه درخواست افراد را امضا کنند. در یک واقعه، سید، یک مرد از کندز، و فامیلش که هر هفت شان بعد از حملات هوایی نزدیک خانه شان در تابستان سال 2010 زخم های شدید را متحمل شده بودند. داکتر که قربانیان را دیده بود قبول نکرده بود که زخمی های هفت درخواست کنند را تصدیق کند تا آنکه مرد برایش 1000 افغانی نپردازد. سید رد کرده بود، و داکتر فقد چهار ادعا را تصدیق کرده بود. مرد دیگر از کندهار اشاره کرد، "باید به آنها (مامورین دولتی) بخشش بدهی تا که کمک را بدست بیاری" در حالیکه بسیاری از مامورین افغان پیشنهاد کردند مرحله درخواست محدود ساخته شد تا از فساد اداری جلوگیری شود، و این شاید واقعا فرصت ها را بوجود بیاورد برای بعضی تا مفاد بدست بیاورند در عقب کسانی که آسیب را تحمل می کنند.

فساد اداری در حقیقت شاید بیشتر منظم و مبنی بر یک روش باشد. یک مامور ولایتی به مرکز گفت که مامورین قریه ها در جاهای غیر قابل دسترسی تلفات افراد ملکی را درست نمی گویند تا که سرمایه اضافی را به خود ویا جامعه خود حفظ کنند. "این یک تجارت است" او گفت بعد از شرح که چگونه بعضی مامورین قریه ها با سیستم بازی می کردند. مشکلات فساد اداری در میان بعضی مامورین آمیخته شده با مشکل دسترسی به جاهای دوردست تا به ادعا ها رسیدگی و یا بازجویی شود.

چند راه حل برای فساد اداری افغانستان است. کسانی که نظارت بر هر دو پرداخت کود 99 و پروگرام مساعدت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین بعضی از گام را برای از بین بردن فساد اداری برداشته است. وقتی که پرداخت کود 99 تهیه شد توسط نمایندگی (اد هوک)، به طور مثال، چندین مامور حاضر برای شهادت دادن به رسید پرداخت می باشد. در گذشته وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین چندین گام را برای بهبود نگهداشت اسناد برداشته، اخیراً وزارت یک پروسه را شروع کرده که مستقیماً پرداخت های پولی را به حساب بانکی انتقال دهد. تا به حال این موضوع واضح نیست که ادعا های ارتشا و فساد اداری تا

حالا جوابده برای پروسه حسابدهی و یا رسیدگی آزاد پرداخت کود 99 و پروگرام مساعدت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین است. افراد ملکی که زیاده ستانی را تجربه می کنند همچنان بی جبر اند از اینکه شکایات خود را به کجا بفرستند.

اسباب فساد اداری بحرانی است که مراقبت کند از پرداخت های پولی با در نظر داشت گیرنده ها و ضروری است که جلب کند کمک جهانی را تا اتکا کند به پروگرام های کمک افغانستان. چندین گام میتواند برداشته شود تا شفافیت و حسابدهی این پروگرام ها را تقویت بخشد. اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری و یا دیگر اداره مناسب دولت میتواند منظم رسیدگی کند به هر دو کود 99 و پروگرام های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین. طرز العمل های درخواست تجدید نظر شده باید تشریح کند که در کدام قسمت افراد ملکی که اذیت و زیاده ستانی را تجربه کرده اند شکایت کنند. این مرکز عامه مبارزه علیه فساد اداری که توسط اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد فعالیت می کند شاید مناسب ترین جای برای گزارش دادن چنین ادعا ها باشد. اخیراً، ماموریت تیم های پژوهش همچنان خوبتر اعا های مشروع را از غلط تمیز می کنند. از بین بردن ضرورت برای گرفتاری تعداد زیاد مامورین محلی – بعضی شان کسان اند که خود بخشی از مشکل هستند.

دسترسی مساوی

تحقیق ما چندین نوع نامساواتی را شناسایی کرد در توزیع پرداخت های پولی افغانی. اولاً، ما این را دریافتیم که ماورین دولت درخواست پول می کنند از درخواست کنندگان، طوریکه به یک مامور اشاره شد، شفافیت این جریان (برای پرداخت کود 99) قابل سوال است به خاطریکه کسانی که شناخت دارند بسیار زود چیز های را که از دست داده اند بدست می آورند در مدت کوتاه اما اشخاص غریب و کسانیکه در شناخت در دیپارتمنت های ندارند از این کار خسته می شوند به خاطر که تا ماه ها چیز را که از دست داده اند بدست نمی آورند.

تجارب متعدد مردم ملکی این تمایل را تصدیق نموده است. در واقع بیشتر مردم ملکی که کود دریافتی 99 را بدست آورده اند تکرر داده اند که آنها متکی به دوستان و اقارب شان در دولت بود اند و از طریق آنها درخواستی های شان را پیش نمودند. کسانیکه در دولت واسطه ندارند همین نداشتن واسطه یک مانع بزرگ برای دریافت کمک ها برای شان شده است. در حالیکه این مشکل بشدت کود درپردختی 99 را متأثر می نماید، کمتر مصاحبه شده گان مساعدت MoLSAMD، به آسانی کمک ها را بدست میا ورنند چون قوم گرای این پروگرام را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است.

جریان درخواست کود 99، و کمک MoLSAMD همچنان دست رسی مساویانه را برای زنان تضمین نم کند. زنان از در خواست کردن به کمک های آگاه نیستند، مگر نورم های سنتی مانع و چالش برسر راه آنان بخاطر درخواست کمک است. از مصاحبه ده ها افراد ملکی که متأثر از این مشکلات شده، این مرکز صرف با دو خانم مصاحبه نمود به نمایندگی از تمام خانم های که شوهر شان را در کشمکش از دست داده اند. اکثر اوقات با ما مردان به نمایندگی از خانم های که شوهر شان را از دست داده اند مصاحبه می نمود. کوشش های مرکز برای مردم درجنگ ها متضرر شده این بود که با خود خانم ها مصاحبه شود مگر موفق نشد به استثنای دو خانم دردوقضیه.

در واقع، مردان خود را نان آور اطفال و خانم بیوه برادرشان میدانند. در نتیجه اقارب مرد بیوه اکثر آ طی مراحل درخواستی را انجام میدهند، پرداخت پولی را دریافت میکنند، و تصامیم مالی را از طرف آنها میگیرند. درحالیکه این عمل نقش سنتی جندر را در افغانستان ایفا میکند، این کار بزور زنان را متکی به مردان می سازد، و هیچ گاهی زنان را چانس تصمیم گیری مالی نمی دهد.

علاوه بر آن، زنان بدون یک موکل مرد از اقارب اش خود را بعضی اوقات در وضعیت وخیم احساس میکنند. سکینه یک از دوزن است که مرکز با وی مصاحبه نموده. بیان نمود که بعد از دست دادن شوهر و دیپسر دریک حمله شبانه چندین سال قبل، وی بزور مجبور به ترک خانه اش شده بود. بدون کدام فامیل که وی را حمایت کند، قادر به کار هم نبود. وی از هلمند به کابل آمد و حال در کمپ بیجا شده گان خانواده گی در کابل زندگی میکند. سکینه، از پروگرام کمک های افغانستان خبر نبود، مگر معتقد به این بود که جنسیتش مشکلات وی را احاطه کرده است. وی به مرکز گفت، " من در این وضعیت بخاط قراردارم که شوهر و فرزندام را از دست داده ام. بدون کدام سرپرست خانه، باید گدای کنی" نورم های سنتی اکثر مانع زنان بخاطر سفر کردن شان بدون مرد میشود، و این سطح پایین سواد را باعث میشود. بسیاری ها قادر به خواندن فورم های دریافتی پول نیستند. این مسایل بیشتر مشکل تعهد به نان آوری فامیل را احاطه میکند.

بیشتر فعالیت های تحقیقاتی تشخیص و همکاری به درخواست کننده گان کمک میکند که این چالش ها را بشناسند. اصلاحات برای طی مراحل پروگرام های کمکی جهت تامین این روند خوب است. سازگار و شفافیت برای همه لازمی است. در اخیر اعلام پروسیجر مشخص برای عمل کرد با درخواست کنندگان اناث و یا نماینده گان شان میتواند که اطمینان دهد خانم های متاثر از جنگ خوبتر تشخیص شده و فرصتی است که شناخته شود چگونه پول های دریافتی مصرف میشود.

خسارات مالی و جراحات جزئی

اکثر مردم ملکی افغان خانه ها، وسایل نقلیه خود را از دست دادند و یازخمی شدند نه بشکل ظاهری، مانند آسیب شنوایی، بینایی و یا روحی دیدند. نظر به مسولین دولتی افغانستان این مردم ملکی واجد شرایط پرداخت پولی نیستند. از بین فتن مال یک صدمه شدید اقتصادی برای اکثر افغانها است، و اکثر اوقات توام با مرگ و یازخمی شدن می باشد. طورمثال درسال 2012 هلیکپتر آیساف خانه خان را ویران کرد. وی با فامیل اش بیرون از مرکز ولایت درمیدان وردک بودند، خان میگوید، " مادر خانه همسایه خود زندگی میکنیم. خانه خود را از دست دادیم، کاملاً از بین رفته است. درعین حال چندین تن از افراد فامیل تافعالاً زخمی هستند بنأ تداوی آنها هم مصارف زیادی میخواهد." اگر یک همسایه و یا اقارب مردمی را که خانه خود را از دست داده اند جای نمی دهد. آنها بزور مجبور به کمپ های بی جا شده گان فرستاده میشوند.

مرکز همچنان با چند تن از دربیوران مصاحبه نمود ه که منحصت دربیوران شخصی امرار حیات می نمودند تاوقتیکه موتر شان در جنگ از بین رفت. علاوه بر از دست دادن سرمایه های مهم، این افراد باید اغلباً وظایف با پول کم را داشته باشند. متحمل شدن آسیب بینایی، شنوایی و دیگر آسیب های روانی برای حکومت افغانستان مهم نیست و آنها را واجد شرایط کمک مالی نمی داند چون آنها برای شان مهم نیست.

درحالیکه متحمل شدن مرگ یا معیوبیت دایمی توسط مردم ملکی نسبت به صدمه فزیزیکی و یا از بین رفتن خانه و دارایی شدید تر نیست تا اینکه آنها تشخیص و کمک شوند. رهنمایی شایستگی برای پرداخت پولی باید اصلاح گردد تا که مقادیر کوچک این کمک ها تهیه گردد.

پیشنهادات:

- تنش که در افغانستان جریان دارد، درکل به نقص و خسارات ملکی تمام شده و درعین زمان حالت افغانستان بیشتر از پیش به وخامت می گراید. همکار های بشردوستانه و پلان های استراتژیک جامعه جهانی نتوانسته که افغانستان را از بین ناهنجاری های بیرون کند. هر سال تعداد زیادی افغانها از وجود زنگ پی هم و خانمان سوز در افغانستان رنج می برند، و هنوز هم بامشکلات دست و پنجه نرم می کنند، در آمدشان به حداقل رسیده، توجه به صحت و وجود ندارد، ناتوانی ها و خسارات هنگفت را متقبل می شوند. ناتوانایی دولت افغانستان روز به روز افزایش پیدامی کند و خوشم مردم تحریک می کند سرحد که مشروعیت حکومت را زیر سوال می برد، ازین واقعه به وضوح معلوم می شود که دولت افغانستان به غم نفس خود نیست.
- از دید تشویق دولت افغانستان برای کاهش و کمک برای آسیب دیده گان بعضی از اقدامات مثبت را انجام داده است. اقدام که دولت افغان آنرا انجام میدهد کمک برای افراد ملکی مصیبت زده است. با وجود این اسناد که تهیه شده با کمی و کاستی همراه است و درین سیستم ممکن بسیاری راهیچ در نظر نگیرند و کمک شان نکنند. قسمیکه نیرو های امنیتی افغان برای آوردن ثبات و رهبری جنگ عملیات اقدام نموده است. دولت افغانستان باید این موضوع را جدی بگیرد و مراقبت کند که چگونه تلفات ملکی صورت می گیرد، خصوصاً توسط نیروی های افغان، برای هدف اینکه ارزیابی دقیق داشته باشد و پاسخ قناعت بخش داده بتواند.
- نیرو های خارجی امریکایی و نیرو های کمک و همکاری برای افغانستان گامهای موثر در راستای جلوگیری و محافظت از تلفات ملکی نمایند و واکنش به موقع از خود نشان دهند. مرکز برای افراد ملکی در جنگ برای بدست آوردن اهداف فوق پیشنهادات ذیل را ارائه می کند:

برای دولت افغانستان:

- به وجود آوردن پروسیجر هایی گزارش دهی و جوابدهی در مورد آسیب رسانی (تلفات) ملکی برای نیرو های امنیتی افغان رهنمایی عملی قدم به قدم و آموزاندن قوا افغان به هدف گزارش دهی و جوابدهی در مورد آسیب رسانی ملکی از اهمیت بسزای برخوردار است به جهت تضمین و تدارک جبران خسارت افراد ملکی آسیب دیده اند. به وجود آوردن چنین پروسه هایی و اطمینان داشتن از اینکه تمام قوت نیرو های امنیتی افغان یکه توسط هایی افغان آموزش لازم در مورد این پروسه ها را دیده اند کمک میکند به اهمیت تصدیق تلفات ملکی، ظرفیت گزارش دهی حوادث را بلند میبرد و به راه اندازی تحقیقات دقیق کمک میکند. گزارش دهی بموقع، سازگار و دقیق تلفات ملکی همچنان کمک میکند تا قوا افغان راه مناسب برای جلوگیری از تلفات ملکی را در جریان عملیات خود به پیش گیرند. با در نظر داشت کم توجهی به شیوه گزارش دهی موجوده نزد قوای افغان، مسولین ارشد امنیتی باید طرح را به وجود بیاوند تا از تطبیق هدایات جدید مطمئن شوند.
- پروسه تحقیقات آسیب رسانی به افراد ملکی را قوت ببخشید.

- جهت تضمین هر چه بیشتر تحقیقات فعال و حرفه ایی حکومت افغانستان باید تیم هایی حرفه ایی را به وجود بیاورد که فقط بالای تحقیق حوادث تلفات ملکی تمرکز نمایند. این تیم ها باید ادعا هایی معتبر در مورد تلفات ملکی را واریسی نمایند و کمک نمایند تا قربانیان شناسایی شده و معلومات لازم را جمع آوری نمایند که برای جلوگیری از تلفات ملکی در جریان عملیات ها کمک نماید. این تیم هایی تحقیقات همچنان باید پروسه درخواست برای پرداخت پول را آغاز نمایند و کمک رسانی به ساحات مرتبط به آسیب پذیری از جنگ را هماهنگ نمایند.

- **یک تیم با اعضاء افغان، کاهش تلفات ملکی را به وجود بیاورد.** به وجود آمدن یک تیم کاهش تلفات ملکی در حدود آیساف برای کاهش تعداد آسیب دیده گان ملکی از طرف قوای بین المللی بسیار مهم میباشد. این به آیساف توانایی آنرا میدهد تا بهتر درک نماید که به چه شکل مردم ملکی افغان آسیب دیده اند و از آن درس بگیرند تا کمک نماید که این شتباها در آینده تکرار نشود. حکومت افغانستان همچنان تیم همانند این بسازد تا از تلفات که توسط قوای افغان برای مردم ملکی به بار می آید مراقبت نماید و واکنش در مقابل آنرا تنظیم نماید. این تیم منحنی نقطه مرکزی در در مورد تلفات ملکی و در ارتباط با جامعه مدنی از طریق اجتماعات فعالیت مینماید همانند گروه هایی تلفات ملکی آیساف. این تیم ها باید در یک دفتر و یا نمایندگی ها موقعیت داشته باشد و تحت یک حکم معین و در سرتاسر مراکز قوای افغان فعال باشد تا اطمینان دهد که تلفاتی که توسط یکی از عناصر قوای افغان پدید آمده است به شکل درست و مناسب اداره شده است.

- **اصلاح پروسه درخواست برای پرداخت پول.** پروسه گیج کننده و زمان گیری درخواست برای پرداخت پول هر دو نظام نامه 99 وجهی و وزارت کار و امور اجتماعی در میان درخواست کننده گان خشم و نا امیدی را به وجود آورده است و دیگران را از درخواست برای کمک و همکاری دلسرد نموده است. نگرانی ها در مورد برداشت هایی بیجا قیمت نبود یک پروسه قابل دسترس میباشد. نبود هماهنگی در پروسه نیز برای آنانیکه جویای مفاد از هر دو پروسه میباشد سنگینی مینماید. روسای OAA و وزارت کار و امور اجتماعی باید یک پروسه ای درخواست واحد بسازند تا از انتخاب ثبت نام درخواست کننده گان به شکل همزمان در هر دو پروگرام تضمین نماید. پروسه تجدید نظر در مورد درخواست ها باید ساده، به آسانی قابل دسترس و از دید جنسیتی حساس باشد یعنی باید دسترسی مساویانه برای درخواست کننده گان زن تضمین شود. شماره تماس درخواست کننده باید ثبت باشد و مسولین ولایتی اداره کننده پرداخت ها از کود 99 فرمان رییس جمهور و وزارت کار و امور اجتماعی باید در صورت پذیرفته شدن و رد شدن درخواست، درخواست کننده گان تماس گرفته شود. هدایت نامه هایی اصلاح شده به همه ادارات ولایتی توزیع شود، و تمامی ادارات ولایتی مرتبط باید در مورد پروسه جدید آموزش لازم و کافی را دیده باشند برای تضمین سازگاری و رعایت مساوات.

- **تفویض مسولیت پذیرفتن پرداخت هایی پولی به حکومت ولایتی.** برای تامین کمک هایی به موقع دولت افغان باید مسولیت تصویب پرداخت ها از پروگرام هایی فرمان 99 و وزارت کار و امور اجتماعی را برای مسولین حکومت ولایتی تفویض نمایند. یک کمیته ولایتی با نماینده هایی از دفتر والی، نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی، نماینده نیروهای امنیتی

افغان، از اداره صحتی ولایتی و نماینده از دفتر اداره مالی ولایتی در هنگام ضرورت باهم ملاقات کنند برای بحث در مورد مطالبه و پذیرش پرداخت. شاید پارلمان بودجه را تصویب نماید و مسولین را قادر میسازد تا در زمانیکه مطالبه در خواست شود در کمترین زمان عمل نمایند. میتوان وجوه را به بانکها در مرکز ولایات انتقال داد و تنها زمانی قابل دسترس میباشد که امضاء تمامی اعضای کمیته متشکل از ادارات مختلف موجود باشد. تمام درخواستها به باید به کابل ارسال شود تا مسولین در مرکز از آن سرپرستی و به آن رسیده گی نمایند. و این تفویض مسولیت تنها زمانی باید صورت بگیرد که نسخه هایی اصلاح شده درخواست و پروسه پرداخت پولی به تمام ادارات ولایات و دیگر دفاتر و مسولین مربوطه توزیع شود و آموزش لازم را طبق هدایت نامه ببینند.

- **کمپاینی را جهت آگاهی دهی برای مردم عامه برای به اندازید.** حکومت افغانستان برای اطلاع رسانی برای مردم ملکی در مورد پرداخت هایی پولی شان کمپاین آگاهی دهی براه اندازد که شامل معیار شایستگی، پروسه هایی درخواستی و فواید باشد. آگاهی خدمات عامه باید از طریق رسانه هایی مختلف که شامل پیام تیلیفونی، آگاهی رادیویی، و اعلانات تلویزیونی صورت بگیرد. و تمرکز این کمپاین باید بیشتر بالای بخش هایی آسیب پذیر جامعه باشد که شامل مردان و زنان بیجا شده نیز میشود. باید مسولین افغان اداره کننده پرداخت ها پروسه درخواست را با خود نگاشته شده داشته باشند و همچنان راه های را داشته باشند که برای درخواست کننده گان بیسواد پروسه را تشریح نمایند.
- **بلند بردن سطح اشتباه و تضمین محاسبه و جوابگویی اخذی ها.** بر حسب لزوم باید در مورد ادعا هایی که در مورد مسولین محلی بخاطر اخذی و فساد موجود هست اجرات نماید، برای بلند بردن معیار هایی اشتباهات باید کمیسیون ضد فساد یا یک کمیته دیگر دولتی که برای اینکار مناسب باشد از این پروگرام ها به شکل منظم و ارسی نماید. افراد ملکی که اذیت و فساد اداری را تجربه مینمایند باید به مرکز یا یک از دفاتر کمیسیون مبارزه با فساد اداری مراجعه نمایند و مسولین ولایتی هر گاه چنین گزارش هایی را میشوند باید به همین شکل عمل نمایند. و در اینجا ساحه کاری تیم هایی تحقیقاتی نیز برای کاهش فساد میتواند موثر تمام میشود.
- **برای پرداخت های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین یک چهار چوب مدرج مساعدت را به وجود بیاورد.** یک چهارچوب مدرج کمک که بالای پروگرام هایی فواید برای ناتوانی استوار باشد به وجود آورده شود تا کمک هایی پروگرام D MOLSMA که برای فامیل هایی که ضرورت دارند پرداخت ماهوار پیشنهاد یکند. از این معبر میتوان تعداد اعضاء فامیل و مصارف یک ماهه آنها را میتوان محاسبه نمود و میتوان یک اندازه معین مصارف ماه وار را برای فامیل ها تعیین نمود و مطمئن میسازد تا کمک ها به اساس نیاز موجوده صورت بگیرد.

قدردانی:

مرکز برای افرادملکی آسیب دیده از «بنیادجامعه باز» تشکر و قدردانی می کند، چون مارا کمک و همکاری مالی نمودند در راستای تلفات ملکی و آسیب دیده گان تحقیق که داشتیم و گزارش باکیفیت که ترتیب نمودیم. ماهمچنان قدردانی می کنیم آن عده مترجمین افغان که از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نورزیدند. وهمچنان از آن عده افرادی که مارا در قسمت سفر همراهی نمودند. مرکز برای افرادملکی مصیبت زده عمیقاً تشکر میکند از آن عده افرادی که بامامصاحبه داشتند، و به خصوص افراد رنج یده و غم کشیده افغانستان که باماحکایات، قصه ها، تجارب و نظریات شان رادر میان گذاشتند.

ضمیمه 1:

دیدگاههای مردم ملکی

معرفی مختصر	برای شما/عزیزان تان چه اتفاقی افتاد؟	از چی نوع مساعدت ها مستفید شده اید؟	در باره حادثه و/یا طرفین متخاصم چی احساس دارید؟
یک مردی از قصابات دور دست غرب افغانستان ولایت ننگرهار. با رانندگی امرار معاش مینماید.	یک فرزندش که 14 ساله بوده کشته شده و فرزند دیگرش که 8 سال داشته توسط نیروهای خارجی در 2011 زخمی شده. فرزندانش در جمله شاکردانی بودند که در اثر زد و خورد میان مخالفین مسلح و نیروهای همکار صلح بین المللی یا آیساف مصدوم گردیدند.	از یک نهاد غیر دولتی مقدار مساعدت بدست آورده. مسئولین بلندپایه افغان نیز بمنظور ابراز همدردی از قریه شان بازدید بعمل آوردند. اما وی از نزد این هیأت کمکی بدست نیاورد.	“ بما گفته شده بود که نیروهای خارجی جهت آوردن صلح به افغانستان آمده اند، ولی آنها در عوض آمده اند تا در قریه های ما اطفال مارا بکشند. ما میخواستیم تا قصد آنها را بدانیم. از طرف دیگر شما میگوئید که برای آوردن صلح آمده اید و از جانب دیگر اطفال مارا میکشید... ما نمیدانیم که دشمن ما کی است.”

خانم مسنی که سه سال قبل از ولایت هلمند مهاجر شده است.	<p>“ شوهر و پسر من را در یکی از حملات شبانه از دست دادم. ما استراحت بودیم که عساکر وارد شده و شوهر و فرزندم را به گلوله بستند. من همراه با همسایه ما فرار نموده و به کابل آمدم. نواسه هایم گریه میکردند. من در اول به قندهار رفته و بعداً به اینجا (در یک کمپ مهاجرین در کابل) آمدم.”</p>	<p>نه از دولت افغانستان و نه هم از نیروهای خارجی کمکی بدست آورده است. وی با مساعدتهای ماهوار سازمان غذایی جهانی امرار حیات مینماید.</p>	<p>“ ما نیروهای خارجی را در اینجا نمیخواهیم. خارجی ها باید افغانستان را ترک بگویند... آنها باید مردم بی گناه را نکشند... ما قبلاً فامیل خوشبختی بودیم... من از اندوه فرزندم به اینجا آمده ام. وقتی سرپرستی نداشته باشید مجبور میشوید گدائی کنید.”</p>
خانم بیوه همراه با دو طفلش در کابل.	<p>یک گروهی از مخالفین مصلح شوهر این خانم را در یک حمله ای که هدف آن یک دفتر مالی در کابل بود؛ در سال 2011 از بین برد. این گروه در ابتداء بومی را منفجر ساخته و بعداً داخل دفتر شده و مسئولین مالی دفتر را به شمول شوهر این خانم کشتند.</p>	<p>بعد از هشت ماه از طریق حساب فرمان 99؛ مقدار صد هزار افغانی بدست آورده. دوستان او که در دولت افغانستان کار مینمایند؛ کار درخواستی وی را پیش برده اند.</p>	<p>“ مبلغی را ما بدست آوردیم زیاد نیست. این بسیار کم است. فعلاً اطفال من کسی را ندارند که حمایت شان نماید... اطفال همیشه از من میپرسند که پدر کجاست، پدر ما کجاست؟... دولت مکلف است تا ما را کمک نماید. پسر من به کمک نیاز دارد... ماهیچ چیز خوب را از کرزی و خارجی ها نمیبینیم.”</p>

<p>مردی از ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا.</p>	<p>کاکای وی که یک معلم بود، در اثر زد و خوردی که میان نیروهای افغان و طالبان صورت گرفت، کشته شد. این مرد مظنون است که کاکایش بواسطه اردوی ملی افغانستان که وی را با طالبان اشتباه گرفته اند؛ کشته شده باشد.</p>	<p>هیچ نوع کمکی را بدست نیاورده</p>	<p>وی از دولت افغانستان ناراحت است که نتوانسته به خساراتی که وارد نموده اند اعتراف نماید و در کوشش تلافی آن برآید. "هرکس میخواهد اردوی ملی داشته باشند، اما اردوی ملی ما همیشه مشکلات خلق میکند."</p>
<p>مردی از ولسوالی گذره ولایت هرات</p>	<p>این مرد جهت اخذ تذکره همراه با فامیلش در مرکز ولسوالی رفته بود که یک بم جاسازی شده در داخل یک موتر در مقابل تعمیر دولتی منفجر گردید. همه اعضای فامیل وی در اثر انفجار مجروح گردیدند.</p>	<p>تا حال هیچ نوع کمکی را بدست نیاورده. این مرد مدت یک ماه میشود که در تلاش است تا امضاء مقامات مربوطه را جهت گرفتن مساعدت نقدی بدست آورد.</p>	<p>"من درین مدت یکماه هیچ کار دیگری نکرده ام...گرفتن امضاء مقامات مربوطه بسیار مشکل است. آنها به من کمک نخواهند نمود. هیچکس درباره مشکلات ما از ما نمپرسد...ما مردم فقیری استیم. هیچ کس به شکایات ما گوش نمیدهد...طالبان به ما زیان میرسانند اما دولت افغانستان به ما کمک نمیکند."</p>
<p>مردی از شهر هرات</p>	<p>در اثر انفجاری که هدف آن تیم بازسازی ولایتی امریکائی بود؛ مجروح گردیده. بطنش توسط پارچه ها بم مجروح شده ناحیه پشتش سوخته بود. وی به ایران جهت تداوی فرستاده شد.</p>	<p>یک سال قبل درخواست نموده تا از کمک های حساب فرمان 99 مستفید گردد. اما تا الحال نه کمکی را بدست آورده و نه هم جوابی را در زمینه از دولت افغانستان بدست آورده است.</p>	<p>"ما دولت نداریم. ما دولت ضعیفی داریم. برای ما هیچ کاری انجام نمیدهد...طالبان در مورد انسان ها هیچ توجه ای ندارند. آنها در باره اسلام بی توجه اند. آنها فقط به ما صدمه میزنند."</p>

<p>مردی از ولایت وردک</p>	<p>“ سال 2007 بود. ساعت 8 بعد از ظهر بود که هلیکوپتر های امریکائی خانه ما را مورد حمله قرار دادند، که سبب کشته شدن هشت نفر و مجروح شدن شش تن دیگر گردید... ما به دفتر والی رفتیم و تقریباً سه بار در آنجا با نیروهای امریکائی ملاقات داشتیم. آنها اظهار داشتند که برای شان گزارش غلط داده شده بود که در آنجا طالبان موجود بوده.”</p>	<p>بعد از یک سال از حساب فرمان 99 مبلغ 1.1 ملیون افغانی (معادل 21300 دالر امریکائی) بدست آوردند.</p>	<p>“ من یک راننده استم. فعلاً من هیچ چیزی ندارم تا فامیلیم را حمایه کنم. ما همه چیز خود را درین حادثه از دست دادیم. ما در مجاورت خانه خود یک دوکان داشتیم. آن نیز کاملاً تخریب شد. موتر ما، 200 کارتن سیب، 230000 افغانی (معادل 4400 دالر امریکائی) پول نقد، قالین ها، و تعمیر دو منزله ما؛ همه از بین رفتند.”</p>
<p>مردی از ولایت پکتیا</p>	<p>در یک حمله هوائی توسط نیروهای بین المللی خانه برادرش مورد حمله قرار گرفت. هفت غیر نظامی کشته شدند. تنها کسانی که زنده ماندند؛ دختر و پسر برادرش بودند.</p>	<p>مبلغ 800000 افغانی (معادل 15300 دالر امریکائی) از طرف دولت بدست آورده همچنان یک نمره زمین در گردیز؛ مرکز ولایت؛ برایش داده شده تا در آن خانه اعمار نماید.</p>	<p>از نیروهای بین المللی بسیار قهر است. خطاب به مقامات آیساف گفت “من برای شما پول زیاد میدهم و بعداً هفت امریکائی را میکشم... حیات انسانها متأ فروشی نیست... هیچ چیزی نمیتواند فامیلیم را دوباره به من باز گرداند.”</p>

<p>مردی از ولایت قندهار</p>	<p>“ من یک خیاط بودم...یک روز بعد از ظهر دروازه دوکانم را بستم و به جانب خانه روانه شدم که ناگهان هلیکوپترهای امریکائی آمدند و به جانب خانه من آتش گشودند. من شدیداً زخمی شده و از حال رفتم. مردم محلی مرا به شفاخانه صحت عامه کندهار بردند...بعداً به کویته رفتیم و نتیجه بر آن شد که من پای راستم را از دست دادم.”</p>	<p>مبلغ 13500 افغانی (معادل 260 دالر امریکائی) سالانه از وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین بدست میآورد</p>	<p>“من درخواستم را به وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین بردم و نامم را ثبت نمودم. آنها (وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین) فعلاً به من سالانه 13500 افغانی بدست میآورم و آنها به من ابراز همدردی نمودند. در آن زمان من در مورد دولت احساس خوبی داشتم. اما این مقدار پول برایم کافی نیست. اعضای فامیل من 12 نفر است و تمام مسئولیتهای فامیلیم با من میباشد. من فامیل دوازده نفری را با درآمد سالانه 13500 افغانی سالانه سرپرستی میکنم...چیطور میتواند تمام مصارفم را کافی باشد؟ من از دولت میخواهم تا برای ما زمینه تجارت های کوچک را مساعد سازد.”</p>
<p>مردی از ولایت کندز</p>	<p>“نیروهای پولیس افغان دو برادرم را کشته و بعداً فرار نمودند. علت کشته شدن آنها تا فعلاً نامعلوم است.”</p>	<p>جهت دریافت نمودن مساعدت از حساب فرمان 99 درخواستی داده، ولی تا الحال کدام کمکی را بدست نیاورده است.</p>	<p>“ما نزد مقامات ولایتی مراجعه نمودیم و واقعه را گزارش کردیم، اما تا فعلاً کدام جوابی را در زمینه بدست نیاوردیم... ما در مملکتی زندگی مینمائیم که در آن پولدارها پولدارتر و غریب ها غریبتر میشوند. هیچ کسی به صدای ما گوش نداد.”</p>

<p>مردی از ولایت کندز. نیروهای افغان دو فرزند وی را در سال 2011 متضرر ساختند.</p>	<p>”بعد از اینکه جنگ در بین طالبان و پولیس ملی به پایان رسید، نیروهای پولیس ملی با خشم به قریه ما آمده و انتقام طالبان را از ما گرفتند... عساکر آمدند و گفتند که این قندهاری ها را بکشید. آنها یک فرزندم که محمد نام داشت کشتند و فرزند دیگرم را که بلال نام داشت مجروح ساختند. ما درین منطقه از شر پولیس ملی در امان نیستیم.“</p>	<p>به مقامات محلی درخواستی داده، اما تا الحال کدام مساعدتی را بدست نیاورده.</p>	<p>”من نزد مقامات رفتم و از آنها کمک خواستم تا مجرمین را دستگیر نمایند. آنها گفتند که آنها مأمورینی را از ولایت جهت تحقیق خواهند فرستاد، اما تا حالا نه کسی بخاطر کمک به ما آمد و نه هم کسی به خاطر تحقیق درباره واقعه مذکور آمده است.“</p>
<p>مردی از ولایت کندز</p>	<p>ما در همسایه گی قریه ما در یک محفل عروسی بودیم. وقتی به قریه خود برگشتیم طالبان را در آنجا دیدیم. ما از آنها خواستیم تا قریه ما را ترک کنند، اما آنها نپذیرفتند و از قریه ما منحيث پناهگاه شان استفاده نمودند. وقتیکه نیروهای خارجی به بمباردمان آغاز نمودند، خانه من کاملاً تخریب شد و من به زیان زیادی مواجه شدم.“</p>	<p>هیچ کمکی بدست نیاورده.</p>	<p>”بعد از واقعه، یک افسر جرمنی از خانه من بازدید نمود...من به دفتر شان رفتم، اما تا حال کدام کمکی را بدست نیاورده ام. من حتی نزد مقامات ولایت نیز رفته ام، لیکن آنها نیز کمکی نکردند. من کاملاً نا امید شده ام...هیچ کسی تا الحال به درخواستم جواب نداده. شما شاید ورق درخواستی ام را در دفتر ولایت پیدا کرده بتوانید. این برایم حالا مانند یک مزاح معلوم میشود که بتوانم پول جبران خسارات وارده را بدست آورم.“</p>
<p>مردی از ولایت کندز. فرزندش در یک حمله انتحاری در سال 2010 جان باخت.</p>	<p>”پسرم که نامش حمید بود همراه من در منزل ما بودیم. درین زمان یک حمله انتحاری که هدف آن قوماندان امنیه بود؛ انجام شد. پسرم شدیداً زخمی شد و بعداً در شفاخانه جان باخت.“</p>	<p>از حساب فرمان 99 پول دریافت نموده.</p>	<p>”به اساس فرمان 99، مبلغ یکصدهزار افغانی برایم داده شد و به حج نیز فرستاده شدم...من از دولت خوش هستم، اما این پول برایم کافی نیست. اگر دولت این پول را دوچند میداد بهتر میشد با آن مراسم تدفین و دیگر مراسم عنعنوی را انجام داد...من از دولت میخواهم به ما پول بدهد بدون آنکه ما از آنها برای ابراز همدردی پول بخواهیم.“</p>

<p>مردی از ولایت کندز</p>	<p>”یک صبح در بین نیروهای اردوی ملی افغان و مخالفین مسلح آنها جنگ آغاز شد. ما از ترس جنگ در منزل ما پنهان شدیم. جنگ دوام نمود و هلیکوپتر های نیروهای ائتلاف آمده و به بمباردمان آغاز نمودند. در حوالی شام، چندین فیر میزائل از سمت مخالفین شلیک شده و به مقر نیروهای اردوی ملی اصابت نمود. در مقابل اردوی ملی به فیر آغاز نموده؛ و درین میان به جانب خانه برادرم شلیک نمودند. اولین رگبار به آشپزخانه اصابت نمودند...وقتی برادرم درخواست تا به نیروهای اردوی ملی بفهماند که به جانب خانه وی فیر نکنند، یک مرمی به پایش اصابت نموده او را فرش زمین نمود...وقتیکه موتر حامل برادر زخمی ام از جوار مقر اردوی ملی میگذشت، توسط آن نیروها توقف داده شده و آنها را نگذاشتند که به شفاخانه بروند. برادرزاده ام گریه کنان خواست تا آنها بگذارند که بروند، اما</p>	<p>درخواست داده ولی تا الحال کدام مساعدتی را از حساب فرمان 99 بدست نیاورده.</p>	<p>”آنها (اردوی ملی افغان) قبول نمیکنند که مسئول این واقعه استند. یک ما قبل من به مرکز ولسوالی مراجعه نمودم و در شکایتنامه ام نوشتم که برادرم به اثر فیرهای اردوی ملی شهید شده. آنها (مقامات محلی افغان) گفتند که نباید اینچنین بنویسی. صرف بنویس که برادرم در جریان جنگ بین اردوی ملی و مخالفین شان کشته شده، ویا بنویس که برادرم در اثر بمباردمان نیروهای ائتلاف شهید شده است.”</p>

	<p>در عوض عساکر نظامی به لت و کوب آنها پرداختند.</p>		
<p>مرد جوانی از یک قریه دور افتاده ولایت کنر. فامیلش در اثر راکتی که از طرف گروه‌های مسلح مخالف یا اردوی پاکستان پرتاب شده بود؛ آسیب میبیند.</p>	<p>” وقتیکه در خانه رسیدیم دیدم که خانم برادرم، پسر و دختر چهار ساله برادرم شهید شده بودند... دختر هفت ساله ام از ناحیه پاها و دست‌ها زخم برداشته بود. پسر چهار ساله ام در ناحیه صدرش اصابت نموده بود و خانم برادرم همراه با دخترش در بالای بستر دراز کشیده بودند... بستر خون آلود بود و دختر برادرم که یک پیاله خالی چای هنوز در دستش بود در پهلویش دراز کشیده بود. مردم آمدند و آنها را از اطاق بیرون کشیدند، همگی میگریستند.”</p>	<p>از خدمات طبی شفاخانه محلی مستفید شدند. برای مساعدت درخواست نموده اما از حساب فرمان 99 تا حال کدام مساعدتی بدست نیاورده است.</p>	<p>”ما دولت را مقصر میدانیم. آنها به ما کمک کرده نمیتوانند... در نزدیکی ما کدام پوسته اردوی ملی یا مقر ائتلاف ملی موجود نیست. در مرکز ولسوالی، چهل تن از عساکر پولیس ملی وجود دارد، اما در آن روز هیچ کدام شان در مقابل این حملات جواب ندادند... تعداد زیاد غیر نظامیان توسط مخالفین کشته شدند زیرا آنها اهداف شانرا به درستی زده نمیتوانند و اکثر میزائل های شان به اماکن ملکی اصابت مینماید.”</p>
<p>مرد جوانی از یک قریه دور افتاده ولایت کنر. وی مسافری را انتقال میداده که ناگهان در جنگی که میان اردوی ملی افغان و یک گروه مخالف مسلح به راه افتاده بود؛ گرفتار میشود.</p>	<p>”ناگهان فیر از قلعه کوهی که در مجاورت ما قرار داشت؛ آغاز گردید. وسایط نیروهای اردوی ملی افغان در پیشرو و عقب ما قرار داشتند. آنها (اردوی ملی افغان) نیز درمقابل به فیر آغاز نمودند. آتش از هر دو جانب شلیک میشد. من از مسافری خواستم تا موتر را ترک گویند زیرا وضعیت خراب بود... در نهایت آنها موتر را ترک گفتند. من آخرین شخصی بودم که خواستم موتر را ترک بگویم. هنگامی که موتر را ترک میگفتم، چندین مرمی به موترم اصابت نمود. من و دو مسافر</p>	<p>کمک هایی را از طرف مؤسسه بین المللی مهاجرت از طریق فرمان ۹۹ دریافت نموده است.</p>	<p>”جنگ به مدت 30 دقیقه دوام نمود... بعد از مدتی، یکعده از اهالی قریه ما را به شفاخانه اسداباد بردند... آنها (اردوی ملی افغان) از ما مواظبت نکردند؛ حتی ندیدند که در جریان جنگ کی مجروح شده و کشته شده، بعد از ختم جنگ محل را ترک گفتند... من فهمیدم که توسط نیروهای مخالفین زخمی شدم. من زخمی شدم و موترم تخریب شد. اما من اردوی ملی افغان را مقصر میدانم، زیرا آنها جلو ما مسدود نموده بودند.”</p>

	دیگر مجروح شدیم و موترم تخریب شد.		
مرد جوانی از ولایت لغمان	<p>”یک شب تعدادی از طالبان به منزل ما آمدند. آنها گفتند که به اطلاع رسیده که شما با دولت کار میکنید. من به آنها گفتم که من یک شخص غریب استم، اما آنها به سخنانم گوش نکردند و مرا با مرمی زدند.“</p>	از مراقبتهای طبی شفاخانه محلی مستفید شده ولی کدام مساعدتی بدست نیاورده است.	<p>”من از دولت افغانستان میخواهم که با تمام فامیلهائی که عزیزان شانرا از دست داده اند مساعدت مالی نماید... این مجروحیت بالای زنده گی ام اثر بسیار بدی گذاشته. من مشکلات مالی زیادی دارم. من کار کرده نمیتوانم.“</p>
مردی از ولایت لغمان. دو پسرش در اثر انفجار کنار جاره ای که هدف آن مقامات محلی بود؛ مجروح شدند.	<p>”یک روز در قریه ما یکی از مقامات دولتی با موتر آمده بود. وقتیکه از سرک میگذشت یک انفجار صورت گرفت. در عقب این موتر؛ موتر پسرم روان بود. در اثر این انفجار مقام دولتی کشته شد و دو پسر من و برادرزاده ام نیز زخم شدند... پسر بزرگم یک کلیه اش را از دست داد و در معده اش نیز صدمات ایجاد گردید. پسر جوانترم پایش را از دست داد.“</p>	از حساب فرمان 99 مساعدت بدست آورده است.	<p>”دولت ما را از لحاظ مالی کمک نموده است. ما از آنها بسیار خوش هستیم که ما را در شرایط بسیار ناگوار کمک نمودند.“</p>

<p>مردی از ولایت فراه. پدر و کاکایش توسط طالبان اختطاف شده و به قتل رسیدند.</p>	<p>”به ما اطلاع رسید که پدر و کاکایم کشته شده اند... آنها ایشانرا اختطاف نموده و به یک حالت بسیار اصفناک کشتند. آنها سرهای شانرا بریده بودند.“</p>	<p>کدام کمکی را بدست نیاورده اند.</p>	<p>”ما صرف از دولت میخواهیم که آنها را (کسانیکه مسئولین این واقعه اند) دستگیر نماید... پدرم میخواست در ساحه صلح بیاورد. وی یک شخص مسن و بی گناه بود.“</p>
<p>مردی از ولایت فراه. پسر کاکایش در جریان جنگی که میان نیروهای آیساف، نیروهای امنیت ملی افغان و طالبان رخ داد؛ کشته شده.</p>	<p>”در بین طالبان، دولت و نیروهای بین المللی جنگ جریان داشت. وی (پسر کاکای ای مرد) با موترش از جاده میگذشت که وی را کشتند. ما از دولت کدام کمک یا همدردی بدست نیاوردیم. بعد از 24 ساعت ما مرده وی را از محل برداشتیم.“</p>	<p>جهت دریافت مساعدت از حساب فرمان 99 درخواست داده اما کدام کمکی دریافت ننموده است.</p>	<p>”چندین مرتبه درخواستی خویش را شورای ولایتی بردیم، ولی هیچ یک از آنها صدای ما را نشنیدند. آخرین درخواستی ام را به تیم بازسازی ولایتی بردم... من هرچی توانستم انجام دادم اما تا حال نتوانستم که جواب مثبت بدست بیاورم... فامیل وی بسیار مضطرب است. صرف ما از دولت میخواهیم که فامیلش در زودترین فرصت ممکن کمک نماید.“</p>